

# قیام ایران

۶۲ مهل ۱۸۷  
دوره جدید  
۲ بهمن ۱۳۶۵  
پنجشنبه  
۲۲ ژانویه ۱۹۸۷

زیر نظر شورای نویسندگان

حسینی متکان

## والاحضرت اقدس

### حاج احمد آقا ولیعهد!

آیت اللہ خمینی هدیه جدیدی برای ملت ایران در نظر گرفته است: ولایتعهدی آقا زاده، حاج احمد آقا! از چند دهه پیش، فرا مینی که قبلاً به امضای آیت الله میرسید یا از طریق دفتر مخصوص وی ابلاغ میشد مستقیماً توسط احمد خمینی صادر می شود. این مقدمه ای است بر انتقال مستدبر به فرزند و اعلام وضعی جا نشینی احمد آقا.

سعدی می گوید یکی از ملوک خراسان محمود سبکتگین را بخواب دید که جمله وجودش ریخته و خاک شده بود مگر چشمان او که همچنان در چرخانه می گشت و نگاه می کرد. حکما از آن و پیل خواب فرمودند: درویشی بجای آورد گفت هنوز نگران است که ملکت با دگران است! بقیه در صفحه ۱۲

را بیدار و بگوش

در صفحه ۶

م. گلان زاد

## عواقب دادوستد پایایی

به دیگر کشورهای جهان اعم از مالک بلوک شرق و کشورهای سرمایه داری غرب و قدرت ردا دهای بازرگانی و وقت در ما هیبت این دادوستدها، روشن می شود که قسمت اعظم این مصوبات را معاملات با پایای و بقولی دیگر تهرانی تشکیل می دهد. تاکنون رژیم با کشورهای آسیایی چون ژاپن - سوئد - نروژ - انگلستان، مجارستان و چند کشور آفریقایی و چین و غیره که به مذاکره نشسته و ملاقا تها نشان به امضای قرار داد انجام میداد است، بیشترین آنها بر محور تجارت پایایی بود و در این رابطه تقاضای خرید بدون رد و بدل شدن انجام گرفته و جمهوری اسلامی در ازای دریافت تولیدات صنعتی و دیگر لوازمات خود از دیگر کشورها صادرات بستانه کرده است.

بقیه در صفحه ۱۰

هادی یزاد

## چراغ راه فردا

فدا روحیه گرتا آن زمان تلاش کرده بودا زشنگنا های بحق مردم - که هرگز از قلمرو آزادی و استقلال و عدالت، یعنی خیر ما به متروپیت تعطیل شده - فراتر نمی رفت، چندان بلا فدا که دلها را تسخیر کند. از این روی، در همه جا، تزویسر و حیل و صحنه های دلغریب، صدای بختار که صدای حق و عدالت بود، بگوشی رسید. قلب و گواهی می داد که سقوط ایران در پیش است، سخت پیروزی اندک است. ولی بخود می گفت این بهانه ای برای

تنه در صفحه ۲

که کمربندها به میدان وارد شود. به یاران معذوره آن روز خود در نخستین روزها به آور شده بود که به میدان می روم، ولی به شما بگویم، اقبال موفقیت چندان نیست. پس شما را دریا وری مختار می گذارم. یاران گذشته اش آنها که با مصدق بزرگ، ادعای پیوند و عشق و اعتقاد داشتند، از او بریدند، به یک دوزخی روی آوردند، ملت معصوم ایران که دهها سال از هرگونه تجربه سیاسی محروم مانده بود، در آن وانفاسی به دروغ زن بی نظیر تاریخ، بدینی روح الله خمینی تسلیم شده و پیر مرد

این روزها با آرد و دولتی است، با همسر ۳۷ روزه، عمری که در مسیر سلطنت و بر نشیب و فراز تاریخ لحظه ای می ماند. اما حوادث زندگی نشان داد که در عین حال تجربه ای بود، بسیار ریز بها. تجربه ای که بسا در طول دهها سال در شرایط متعارف و عادی به دست نمی آید. بختی آن روز که خطر کرد و از قلب نهضت ملی ایران برخاست تا میراث عزیزان جدا د خود را از کف طوفانی بی امان نجات دهد، تا سید توفیق خود را طینتانی صدر دند است. می دانست که خیلی دیر به سراغ آمده، اما شد

## بهبودی تهران و نبردهای خودمختار

اعلام کرد که در این بمباران، سه تن از هم میهنان ما کشته شده اند، اما از اعلام نام مناطق بمباران شده، خودداری ورزید. بر اساس گزارش های تلفنی، در حمله هوایی روز شنبه ۱۷ ژانویه عراق به تهران، نواحی اطراف دانشگاه ملی (ولنجک و سعادت آباد)، کوه های سعادت آباد (در بند)، جمال آباد (بالاتر از کاخ نیوران) بمباران شد. بقیه در صفحه ۳

بر پایه بیانیه های نظامی جمهوری اسلامی، دوشنبه نوزدهم ژانویه، نیروهای رژیم تهران، به حومه بصره رسیدند. پیش از آن، روز گذشته گذشته، ها شمعی رهنما نی، سخنگوی شورای عالی دفاع گفته بود که نیروهای جمهوری اسلامی ده کیلومتر به سوی بصره پیشروی کرده اند و حدود دویست شهر بزرگ عراق، دریا تصد کرد. تری مواضع جمهوری اسلامی در جزایرماهی، "المطوبه" و "بوارسان" قرار داد. در کربلای که نبردهای خونین و پیر کشتار در منطقه کربلا پنج در جنوب شرقی بصره جریان داشت، شنبه گذشته، عراق، با بیخود ایران را هدف بمباران قرار داد. سخنگوی بغداد گفت: نیروی هوایی عراق، اقامتگاه آیت الله خمینی، و دفاتر کار همکاران نزدیک وی را بمباران کرده است. رادیوی رژیم، پس از وقوع این حمله

## ماجرای پنهانی ارسال

### اسلحه فرانسوی به ایران

مجله اکسپرس چاپ فرانسه در شماره این هفته خود فاش کرد که مقامات بلند پایه دولت فرانسه از قاچاق جنگ افزار به جمهوری اسلامی توسط شرکت فرانسوی "لوشیر" کاملاً مطلع بوده اند. اما با وجود هشدارهای مکرر سازمانهای اطلاعاتی فرانسه، از آن جلوگیری نکردند. ماجرای شرکت لوشیر در فروردیه سال گذشته بوسیله یک نشریه محلی فرانسوی از زبرده بیرون افتاد. در آن زمان روزنامه "بندر" شربورگ فاش کرد که صدها هزار گلوله، توپ و خمپاره ساخت شرکت لوشیر که ظاهرأ مقصد آنها برزیل، تایلند، یوگسلاوی، پرو و اکوادور ذکر شده بود، از پنا در فرانس در بندر عباس به جمهوری اسلامی تحویل داده شده است.

بقیه در صفحه ۱۲

ترکیه:

## توطئه حجاب اسلامی

درست همزمان با دیدار معاون وزیر خارجه ترکیه از تهران، مدرسین حوزه علمیه قم نامه ای برای روزنامه های تهران - تهران فرستادند و در آن به دولت ترکیه حمله کردند که چرا زور و دختران با حجاب به دانشگاهها و مراکز آموزشی جلوگیری می کند، چرا تلاش بحافل مذهبی ترکیه را برای اساعه، تعالیم اسلام، ارتجاع می خواهد. در این نامه، انکار که نخواهد به آتا تورک آنها نت کرده باشند، او را بی دین و ملحد و خدا شناس خواندند.

بقیه در صفحه ۱۱

۱۰

بهمن خجسته

## کربلاهای در هم شکسته

رژیم تهران هر بار که حمله تازه ای را در جنگ آغاز می کند، همایون بسیار بر راه می اندازد، و هر بار هم که حمله اش ناکام می ماند، دست از همایون نمی دارد، بلکه آن را در جهت دیگری سرمی دهد تا اذهان مردم را از شکست منحرف کند و ندیده سوی دیگری بگشاند.

حمله های شکست خورده کربلای ۴ و ۵ و ۶ از این قاعده برکنار نبود. در حالی که، یک هفته پس از آغاز حمله، موسوم به "کربلای ۵" وزارت خارجه ایالات متحد آمریکا اعلام کرد که حمله عملاً متوقف شده

است، رادیو تهران همچنان سرگرم رجز خوانی در این باره بود که "لشکریان اسلام" چگونه "قوای کفر" را تا روسار کرده اند. با اینهمه، تبلیغات رژیم تهران در باره پیروزیهای خیالی، دم خروسی دارد: دوشنبه، وجود دارد که شکست حمله کربلای ۵ را عیان می سازد، نخست اینکه فرماندهان سابق با ساداران نامه ای به آیت الله خمینی نوشتند، یک هفته پس از آغاز عملیات، به اقوال دادند که بقیه در صفحه ۳

بقیه از صفحه ۱

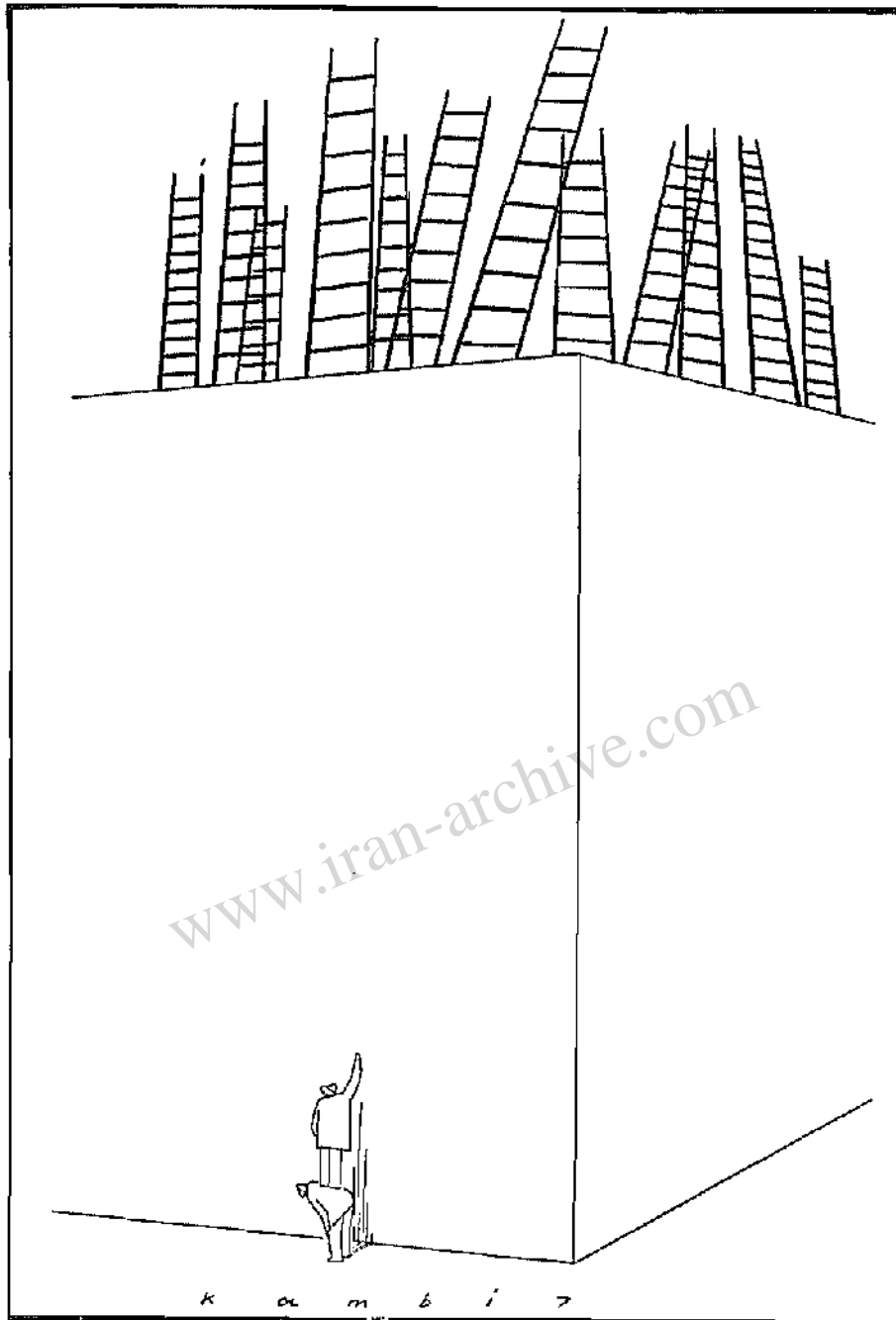
انسانهای پایبند به اصول نیست، شایسته از زیر بار سنگین مسئولیت خالی نکنند. می دانست که در بدست آوردن آموخته اند و اگر در آن روزهای آتشبار رژیم بر سر آن نبود که همچنان از بازار مستعمل و زنگ خورده خود عاجز بخواهد و از آغای زبانه روی می آورد، توان او که ریشه در صداقت و ایمان بسته، و باورش در حقانیت ملت و عشقش به استقلال ایران خلل ناپذیر مانده بود، برای پیروزی او یعنی پیروزی ملت، کافی بود.

ذکر مصیبت نیست که این روزها دیگر نیاید از مصیبت پیش از انداز گفت و شنید که هنگام چاره گیری است. از گفته ها و شنیده ها، آن هم در این ایام خاص که بی تردیدی از مراحل پردردنا ریبخ ایران ماست، تنها بدین دلیل باید یاد کرد که عبرتی بسا زد، عبرتی که چراغ راه شود در این شب و تاب نجات، بسه تکرار خطا نیا نجامد.

از زبان بختیار بگوئیم که زبان خود او و در وصف آن روزهای تابان رگوبیا تر است.

در کتاب خود، بکرنگی، در نخستین صفحه آنچه از ماجرای دعوت شاه می گویند، عبرت آموز است. شاه می پرسد: "شماره از کی ندیده ام؟" و جواب می شنود: "از ۲۵ سال پیش، علیحضرت، قاعدتا این با دیدن رخا طرفت با شد." شاه می گوید: "در این فاصله هیچ پیر نشده اید." جواب می شنود: "من به تحقیق پیر شده ام، اما شاید آثاری که گذر زمان بر مخالفین رژیم می گذارد، بسا فرسودگیهای ناشی از قدرت متفاوت باشد." بنای سخن بیداست، مبارزه در راه آزادی خاصه وقتی که به عشق و صدق تمام میخسته است، بی نیری نمی خواند، اوستی خواهد بگویند که ایمان و اعتقاد در او را سبیل می زند و طراوت را در متن زندگی و در عمق زندگی باز می سازد و فرسودگی را عقب می زند. می نویسد در آن غروب و آیل دیماه ۵۷، ایران به طرف هرج و مرج می رفت من جلوی پادشاه ایستاده بودم. به این منظور که بگویم ایران در سراشیب را از زلزلش به عمق هرج و مرج بازدارم. سراشیبی که پیرداخته اشتباهات مکرر بود، دولت ها سه ماه به سه ماه با یکدیگر هم می شدند. شریف اما می، زهاری و دیگران. اما آیا دولتی هم بنا به دولت بختیار تشکیل خواهد شد؟ با اید و فاع سخت ناسا مان با شدوا علی. حضرت محمد رضا شاه پهلوی آگاه به میزان ناپسانانی، تا چنین فکر دورا زدهنی از خا طرش خطور کند، شاه مندلی را با و تعارف می کند و رودر روی هم می نشینند و سکوت لحظاتی حکمفرما می شود، پادشاه سخن را می آغازد: "این پدیده، خمینی چه صیغه ای است؟" - علیحضرت واکنش در مقابل دولت های بیابانی است که ما از حضورا علیحضرت تقاضا کرده بودیم از آنها بفرمائید. "شاه که ظاهرا" به "اب ت عادت نداد ردمی پرسید: "چون اگر آنها

## چراغ راه فردا



نهادند.

بختیار در آن روز در آن فضای هولناک و آتشی را گولدی رطابقت سوز و فیه را به دوش می گیرد، بی آنکه امید سادی در دل بخته با شده آرا به سلامت به منزل آخبرگنا تد. یا ران مدعی ملی گراشی او را ترک کرده و به ادا من دیوا و بخته بدو ملتی که همواره عزیزش داشته است، چنانکه هنوز هم می دارد، صدای او را از درون قبیل و قال گوشخراش سراسران حیلنکر نمی شود. زمان تنگ است حالی گدا و به زمان نیا زدارد. بیداست که در همان لحظه های تنهایی، به دور سالت فکرمی کند: که در یکی نا کام می ماند، و در دیگری کامیاب. او به خود گفته است اگر میللت را به هر ترتیب توانی کنم، به ظهور حقانیت خود و آگاهی ملت افسون شده، ما به خواهم داد. این حساب نادرست نیست اگر در نخستین روزهای زمانداری اش، فقط ۵ هزار تنی با او همداستان می شوند و به ندادن با سخ می گویند، در پایان ماه این رقم به ۱۵۰ هزار می رسد و بیداست که استعداد بیداری اگر در رهبران راه کم کرده و باران نیجه راه، اندک است و

ناید هیچ نیست، در مردم کوچوبیا زار امیدبخش و کار ساز است و افسوس که این فرصت به هزار رنبرنگ کوتاه و کوتاه تر می شود. ارتشی که می بایست با او همداستان شود - نه در بیکره، دلاور و ملی گراش که در راه خود خود را بی باز و به دشمن تسلیم می شود و بیدنگونه تجربه ای که خمیر ما به بیداری می تواند بود متوقف می ماند ما در همان وا نغسا و مخصوصا " در آن لحظه ها که دستبندی های فدملی ردیف می شوند و ستون ارتش به توطئه مستی از فرماندهان بزدل و خودباخته در هم می شکنند، اندیشه دیگر و این است که تا آخرین لحظه، سنگر را از کف ندهد و بر قول و قرارهای ۳۰ ساله خود بیاید، و عهد خود را با آزادی و استقلال علیرغم فضای ناسا عداوت کند، پیش خود می گوید حتی شکست در چنین عوالمی خود سراما به عبرت هاست. صدای حق، ولو از یک دهان، با پدیدماند، اگر امروز در پشت دیوار ضخیم دروغ و تزویر می شکنند، در فضای تاریخ و زندگی زنده خواهد ماند و همین چراغ راه فردا است. بختیار در آن شرایط کوریه همه، تعهدات آلمان های خود، تا آنجا که می تواند عمل می کنند، سالهای سال گفته است، قضاوت را فقط در راستای عدالت تمکین می کند و آن روز که بر مسند حکومت می نشیند همه آنها را که در محاکم غیرتالیج، خواه مجرم و خواه متهم بیگنا، محکوم شده اند از زندان و از زندی رها کند، و چه بسا از همانها به خصومت، رودر روی سنگسار می گیرند و او را بین را پیشا پیش می دانند. ولی در منطق بختیار، مهم تکاه بسه اصول است، آنگاه به عدالت است و آنگاه به حقانیت ملت است. با زمان امنیت را که از سالت خود منحرف شده و رودر روی ملت ایستاده است، منحل می کند. چرا؟ یکجا برای آنکه نمی تواند از اصول اعتقادی خود، حتی بنام مصلحت، بگریزد و جای دیگر برای آنکه می دانند که سرجمه بسیاری از ویران گریها در همان سالها می گذرد که روزگاری مردم را قشرده است و آن روزها - چون بیری از هرگونه اعتقاد دینیگانه از وظیفه است - به خدمت ایلیس سر کذا شده است. هشتاد و نه روز و روزانی که بر او خرده می گیرند که چرا چنین و چنان کرده غافل که او به در خط جا طلبی که بر راه تحقق باورها و ایمان دیرین خود که بر ستون و به میدان آمده است، باری بختیار در آن ثانیه ها که می دید، متدها بریده می شود و کار از دست می رود، نه به قول هیولا اعتقاد می کند تا خورد و نجات دهد و نه از سریمان می گذرد که هم رنگ زمانه شود، چرا؟ زیرا می دانند: آن صدایی که از زمین با زمانده است در فرصتی دیگر صدای نجات، صدای بیداری و صدای بر عزت ملت خواهد شد، و امروز هم اوست که تنها تکیه گاه است. چرا؟ زیرا که در آن وا نغسا هم آوای نامردمان مردم فریب نشد و در عرصه عمل مسلم ساخت که از زماندگاری ملت بیداری اوست. و این مغز عبرت است، مغز درسی است که در میراث دولت کوتاه عمرا و نهفته است.

### گر بلاهای در هم شکسته

بقیه از صفحه ۱

وظایف محول شده به "سیاه محمد" را در هر شراطی ادا نخواهند داد. این نشان می داد که سپاه پاسداران آن نتیجه ای را که از حمله کربلای ۵ انتظار داشت، بدست نیاورده است. وگرنه در نامه به خمینی از "ادامه آنجا موظیفه" سخن نمی گفت، بلکه پیروزیهای بدست آمده را با آب و تاب شمارش می کرد و از این گذشته از فرمانده کل قوا نیز با سخنان سرشار از دریاقت می کرد. ولی نه از شجاعت پیروزیها خبری بود و نه از سختیهای آن. آمیز فرمانده کل قوا، نشانده دوم، گشودن جبهه تازه ای در سوماری بود. این حمله که به کربلای ۶ موسومند، برای آن نبود که دو جز، یک حمله بزرگ را بسازد یکدیگرها هتک گردانند، بلکه بدین منظور بود که فشاری که بر نیروهای رژیم در جبهه بصره وجود داشت بیکا کند. ولی کربلای ۶ نیز سرنوشتی بهتر از کربلای ۵ پیشین نداشت. کاسیو این بر سر وزیر دفاع آمریکا از تلفات ۴۰ هزار نفری سخن می گوید و بسیاری از فلسف شدگان را زیر ۱۴ سال برآورد می کنند.

در این میان از سخنان هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ۲۶ دیماه بوی همچسب می آمد مگر بوی پیروزی. اما جمعه شهران در خطبه ای از این سخنها از جمله گفت: "عبور از منطقه ای مانده شلحه ... کاری است که هیچ نظامی ستاد دیده ای این ریسک را نمی پذیرد، با این حال این کار انجام گرفت." رفسنجانی بدین ترتیب به تلویح اعتراف می کند که ستاد ارتش ایران با دیوانگیهای

### چراغ راه فردا

بقیه از صفحه ۲

بختیارا اگر امروز از چنین قدر و اعتباری برخوردار است تنها بدین دلیل قاطع است که در آن روزهای طوفانی تسلیم نمی شود و عصمت و ایمان ملی خود را به پای نامهم دیومطقت نمی ریزد و نمی فروشد. حالیکه همه سالان آن روزها از جبهه و راست و ملی نما، همای سعادت و توفیق را بر تاننه، خود می یافتند، غافل که بومشوم را پذیرا شده اند.

و اما در این روزهای سخت، آن کویا شکست خورده است که حقانیت خود را بازمی یابد و این بزرگترین آرزوی اوست که جان گرفته است، آرزوی زنده ماندن ایران و فریاد تاریخ که حالا دیگر به گوش هراتی می رسد:

ایران هرگز نخواهد مرد.



### در مجلس عوام انگلستان:

### پرسشهایی درباره

### فروش اسلحه به ایران

بدینحال تمامی های نهضت مقاومت ملی ایران شاخه لندن، با برخی نمایندگان مجلس عوام بریتانیا درباره فعالیت دفتر معاملات اسلحه متعلق به جمهوری اسلامی در لندن و ارسال تجهیزات نظامی از سوی انگلستان به جمهوری اسلامی، این موضوع در مجلس بریتانیا از سوی نمایندگان به تخیل مورد بحث قرار گرفت و در مهم ترین روزنامه های انگلستان مانند گاردین و دیلی تلگراف با زتاب یافت.

از جمله سران این گیلپور، نماینده مجلس عوام بریتانیا ضمن تاه کیه بر سیاست اعلام شده دولت انگلستان در باره خودداری از ارسال اسلحه به طرفین درگیر در جنگ خلیج فارس و نامه دیویدا استیل نماینده دیگر مجلس به نخست وزیر انگلستان و سخما رگارت تا چرپدی، گفت:

"دولت وظیفه دارد در برابر گزارش های مربوط به فروش و حمل اسلحه به ایران شیوه ای صریح و بی تردید از آنچه تا کنون داشته است، اتخاذ کند." وی افزود:

"گزارش های دربارۀ مذاکرات بین ما موران رسمی جمهوری اسلامی و نمایندگان سازمان فروش بین المللی نظامی که شرکتی است صادره متعلق به وزارت دفاع، انتشار یافته است. در هفته های اخیر دولت انگلستان تا ناید کرده است که قصد دارد دفتر معاملات اسلحه در تهران را همچنان در این نگاه دارد. هفته گذشته گزارشی از روزنامه ها درباره سفرش چندین میلیون پوندی به شرکت "پاسی" در باره تحویل سیستم رادار به ایران انتشار یافته است.

در چند روز گذشته گزارشی نیز در باره حمل تجهیزات نظامی به ارتش و منسج میلیون لیره از بندر لیورپول مشاهده شده است. کلیه این گزارشی ها موضع دولت را در جای سیاست اعلام شده (عدم تحویل سلاح به دو طرف جنگ) مورد سؤال قرار می دهد.

نماینده مجلس بریتانیا همچنان گفت: "بر عهده مسئولان وزارت دفاع است که در مقابل این مجلس حاضر شوند و با صراحت بیشتر از گذشته در قبال حمل اسلحه به ایران را بازگو کنند. در باره موضوع معاملات ارسال اسلحه از سوی انگلستان به جمهوری اسلامی، روزنامه دیلی تلگراف نوشت: "با افشای ماجرای ایران گیت درواشنگن این موضوع که لندن در شش سال اخیر مرکز فعالیت مقامات جمهوری اسلامی به منظور معاملات اسلحه بوده است، مورد بحث و توجه قرار گرفته است. دولت انگلستان که از این باب است، سوی نمایندگان تحت فشار است،

### بهاران تهران

### بقیه از صفحه ۱

هوای بیمای عراقی، در این حمله، در ارتفاع بسیار پایین پرواز می کرد و به گفته کارمندان رادیو - تلویزیون جمهوری اسلامی، چندبار به سر فرساز ساختمان رادیو - تلویزیون، کورس کرد.

ساعت شش با صدا ددوشنبه ۱۹ ژانویه نیز هوای بیمای عراقی در آسمان تهران به پرواز درآمد و غرش تیربارانهای بغداد هوا بی، پایتخت را در هراس فروبرد، ولی حمله هوایی انجام نشد.

تا دوشنبه ۱۹ ژانویه، دهمین روز شروع تعرض کربلای سنج، شهرهای اصفهان، دزفول، تبریز، قم، ایلام، همدان و بروجرد با رها هدف بمب ها یا موشک های

موج سرکوب مذهبی وسیله رژیم اسلامی که شامل اهل سنت نیز هست موجب دستگیری نماینده سنی مذهب ایران شده است.

جمهوری اسلامی قبلاً نماینده کلیعین در مجلس شورای اسلامی را به اتهام روابط نامرئوجنی با زداشت وزندانی کرده است. در تهران همچنین گفته شد که نماینده اعتراف های تلویزیونی با زهم تکرار خواهد شد.

به این بیان متعذر می شود که دولت انگلیس نمیتواند مانع ارضیات مقامات ایرانی در لندن به شرط آنکه خلاف قوانین، اقدامی نکنند، بشود.

به نوشته روزنامه دیگر انگلیسی "ایندپندنت" پیش بینی میشود که در جلسات سال جدید، مجلس نمایندگان دولت انگلستان را تحت فشار قرار دهد و درباره فروش اسلحه به مورتور تا تک چیفتن ولو از خودروهای زره پوش اسکورپیون به جمهوری اسلامی با سخنان کنشده طلب کند.

### آوارگان ایرانی

نهضت مقاومت ملی ایران - شاخه لندن - ضمن مکاتبات و تماس های متعدد با مسئولان دفتر پناهندگی، نامه ای بعنوان کمیسر عالی سازمان ملل متحد ارسال داشته است که طی آن بخشی از دنیا ریهای ایرانیان آواره را در ترکیه و پاکستان مطرح و نظر کمیسر عالی پناهندگی را خواستار رنده است. دفتر پناهندگی سازمان ملل متحد در انگلستان، چنین پاسخ داده است:

ترجمه نامه کمیسر عالی سازمان ملل متحد در ژنو - برای نهضت مقاومت ملی ایران ۱۱ دسامبر ۱۹۸۶

با اظهار تشکر از وصول نامه مورخ ۲۳ اکتبر شما بعنوان کمیسر عالی سازمان ملل متحد در ژنو که جهت اقدام مقتضی به این دفتر ارائه شده با اطلاع می رساند، از نگارنی شما در مورد وضع ایرانیان در ترکیه و پاکستان مستحضر گردیدیم. تشخیص وضعیت پناهندگی توسط سازمان ملل متحد بر اساس مصوبات بین المللی است که بموجب آن پناهنده به کسی اطلاق می شود که از ریا طرزاد، مذهب، ملیت یا عقاید سیاسی از کشور موطن خود خارج شده و نمی تواند در پناهنده بگریز از خشونت شخصی یا خود را در اقامت در کشور حمایت کشوری که در آن اقامت دارد قرار دهد.

تفسیر اادانهای از این اصول از طرف دفاتر این سازمان در پاکستان و ترکیه در مورد پناهندگان ایران و سایر پسر متقاضیان پناهندگی اعمال میگردد. بهرحال ضمن آنکه سازمان ملل متحد از هیچ کوششی در حمایت از هر شخصی که مصمم به پناهندگی با شد و فرودگاهها نمی نماید، بکار بردن چنین رویه ای از طرف سازمان ملل متحد لزوماً کشورهای دیگر را موظف به اعطای پناهندگی نمی کند و این امر بر این صرف داشتن وضع پناهندگی، به فرادان این امتیاز را نمی دهد که بتوانند در هر کشوری که مایل باشند اقامت گزینند.

امید است اطلاعات با لایحه موجود در ایوان آن دفتر روشن نماید.

با احترام  
کاترین میرابل  
دفتر پناهندگی سازمان ملل متحد در انگلستان.

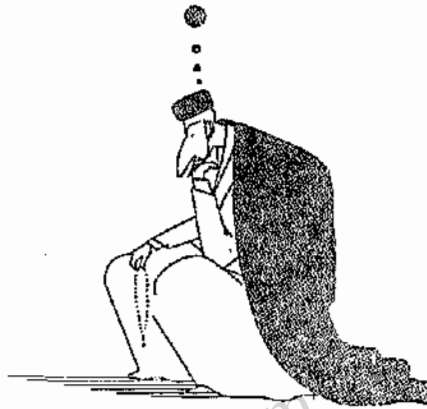
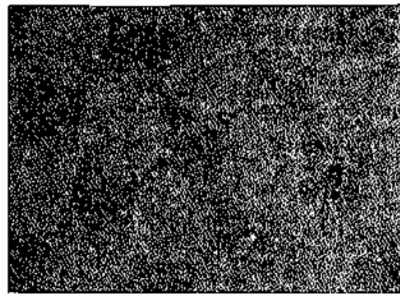
زمین به زمین قرار گرفت. این حمله ها، صد ها کشته برجای نهاد. برخی از این شهرها چند بار هدف قرار گرفت.

در این میان، هفته نامه آلمانی اشپگل، دوشنبه ۱۹ ژانویه، همزمان با اعلام خبر نزدیک شدن نیروهای جمهوری اسلامی به بصره، نوشت: "بنتا کون، وزارت دفاع آمریکا، زمینده مداخله نظامی سریع در جنگ جمهوری اسلامی و عراق را آماده می سازد تا در صورت سقوط بصره، به بیاری عراق بشتابد.

گزارش اشپگل حکایت آن داشت که شش لشکر و ۶۰ فروند هوا پیمارا برای انجام واکنشی سریع در برابر حمله احتمالی سقوط بصره، به حال آماده باش در آورده اند.

افزون بر این، کشتی هوای بیما جان اف - کندی و چندین تانک و شکر آمریکا بی فرمان حرکت به سوی تنکبه هرمز را دریاقت داشته اند و اسکا دران از شکاری - بمب افکن های اف - ۱۰۵ به با بگاه های ترکیه منتقل یافته اند. در پی انتشار این گزارشی، مقام های رسمی آمریکا، صحت آن را تکذیب کردند. اما افزودند در صورتی که پیروزی جمهوری اسلامی، متعاقب آن آمریکا را در خلیج فارس تهدید کند، آمریکا طرح های ضربتی خود را به بستیا نی آن ها به اجرا خواهد گذاشت.

# دین دروغ آلوده



سیاست ما عین دین است " دلیل را تبار داده، سرزگترین مدمدرا نه دنیا نیست و سیاست هر دوزده است، او نه تنها سیاست

اگر دروغ را قدرتی برای انفجار، تخریب یا اشهدا میبود، رژیم تهران امروزه تنها سرزمین عراق، بلکه تمامی کشورهای مسلحان منتهی را به زیر سلطه خود کشیده در مزره های اسرائیل سرگرم نبرد با اصطلاح "دشمن صیونیست" بود. هر بار که جمهوری اسلامی به تلاش جنگی تازهای دست می زند، کارخانه دروغساز او نیز با تمامی ظرفیت ممکن مشغول کار می گردد.

اگر تا راین کارخانه دروغساز را باور کنیم، امروزه تنها عراق همه تا کنه ها و هوا بیما هائی را که ارتش آن در اختیار داشته ز دست داده بود، بلکه حتی سبازی نیز نداشت که شاه ها پیش قورت حمل تفنگ های سبک نیز داشته باشد. نه تنها زرادخانه عراق بکسر خالی شده بود، بلکه بسیاری از سلاح های انبار شده در کشورهای دیگر نیز در میدان جنگ با از بین رفته بودیا به غنیمت "زمنندگان" توانمند "اسلام خمینی" درآمده بود.

انگلیسی حوصله کند و آما رخسارت هائی را نگا ه کند که رژیم تهران مدعی است بر عراق وارد آورده است، بعد از قتل می خواهد رسید که زشتیدن آن ها هوش از سر سوداگران اسلام می برد. از آسمان این دروغ هر روز دهها هوا بیما بد زیر افکنده می شود، در میدان این دروغ هر روز دهها تانک و خودرو و نفر بر منهدم می گردد، در رزمگاه این دروغ هر روز هزاران تن بر خاک هلاک می افتند. اما این دروغساز سکه ای است که روی دیگر هم دارد، و آن، قدرت سازندگی آن است. در کارگاه دروغ رژیم تهران از سلاح های سبک و خود رو گرفته تا هوا بیما ی مدرن و تانک های پیشرفته به میزانی ساخته می شود که این رژیم در واقع املا "نیازی به باز رهائی خارجی ندارد. علی اکبر فرستجانی که بنا زگی هر چه بیشتر نقش میا نندار صلی جنگ را ایفا می کند، روزی گفته بود که واحد تحقیقات جنگی سپاه پاسداران به ساختن سلاح های موفقی شده است که وقتی جنگ تمام شد، آنها را رو خوا ه کرد و دنیا را انگشت به دهان خواهد ساخت. حالا اینها چه سلاح های است که فرستجانی هنوز نمی خواهد آنها را رو کند و علنی کردن آنها را به پایان جنگ موقوف کرده است، نگنه ای است که هر چه اندیشیدیم نتوانستیم جوابی برای آن سببیم. حالا ربحی که در ساختن سلاح و تکنولوژی تسلیحاتی اینهمه پیشرفته های حیرت انگیز کرده، چرا برای تهیه سلاح در هر جادریزگی می کند و جنس یک دلاری را به صد دلار می خرد، نکته ای است که شاید بتوان رسیزان را در کمیسیون ها و دلالی های کلانی که سول آن به حساب های بانکی حضرات در خارج از کشور ریخته می شود، پیدا کرد.

آیت الله خمینی، که این سخن تکی مدوس را که "دین ما عین سیاست است" و

را از دروغ شما لایقید، بلکه دین را نیز سر بریده دروغ آغست. در رژیمی که او بر ما کرده است، راستگویان مدام سور د غضب آن خدا می قرار می گیرند که او خود را آیت و نیا بنده، وی برخاک می داند، و دروغگویان مدام مقام و منزلت بیشتری پیدا می کنند.

سخن راستی که در رژیم تهران گفته شود، بیشترین زیان را به اسلام و می رساند، ولی دروغ هر چه بزرگتر و خدا تر گفته شود به حکم میانی دین بیشتر کم می کند. تا کنون آنتین یک نفر از این سردمداران و کارگران رژیم را نگرفته اند که چرا اینقدر دروغ گفته ای. حالا آن که راستگوییان جدا گرفتار با لکنت زبان می توانند مفخود خود را بیان کنند، این هر رژیم است که در آن دروغزنان بزرگ جنس بی سروا در میدان سیاست تاخت و تاز می کنند، حال آنکه راستگویان باید مدام بر جان خود بلرزند؟

در سلسله مراتب رژیم هکس حق نداد در باره، دلیل اداه جنگ، میزان تلفات آن، وضع واقعی آن و عاقبت آن سخنی بر زبان براند. آزادی بیان از همه سلب شده است، مگر از آن کسانی که زبان به ستایش جنگ سپرده می کابند و دروغ های رژیم را تکرار می کنند.

در رسانه های غرب اگر فقط یک سخن راست درباره جمهوری اسلامی گفته شود رژیم بتواند آن را به سود خود تعبیر کند، آن سخن را مدام به عنوان گواهی معتبر در سرنای تبلیغاتی خود می دهند، ولی اگر از همان منبع هزارها سخن راست - و این بار به زبان رژیم تهران - برآید، کلاسی درباره آن نمی گویند یا اگر بیگیند در انکار آن است ما این تا کید که از رسانه های "استکباری - امپریالیستی - صیونیستی" صادر شده است.

نه تنها ارقام و اعدادی که رژیم درباره جنگ منتشر می کند دروغ بیجا بسیار می باشد، بلکه درباره هدف جنگ نیز دروغ می گوید، بینوا توضیح نمی دهد که اگر جنگ برآستی تحمیلی است، چرا اینهمه را بر ما داده است؟ چرا یک بار بر ما حجت و به نام نمی گوید که کشوری، چه دولتی یا کدما گروه از کشورهای و دولت ها جنگ را به او تحمیل کرده اند؟ چرا یک بار با خود نمی ندید کسی که جنگ را تحمیل کرده، این قدر قدرت و نفوذ دارد که دلج را تحمیل کند؟



چنین دعوی نیز نیا فته است، او یک جانشین اسمی دارد به نام حسینعلی منتظری که ظاهرا "دیگر هیچکس برای پیش تردهم خرد نمی کند. و یک جانشین رسمی به نام سید احمد خمینی که خط او را کم کم دارند در همه جا می خوانند.

در رژیم تهران تغییرهای بزرگی در پیش است و جای جانشینی مهمی در آن به چشم می خورد، این جای جانشینی قدرت یا پد هر چه سی هیا هوتر و آسان تر صورت گیرد. از اینروها هودر جبهه های جنگ با پد هر چه بیشتر گردد.

دستا و بزرگ در سرکوب ناخرسندیها و مخالفتها می که مدام کم ترش بیشتر می گیرد، همواره این است که شهیدان در جبهه ها دا رند خون می دهند، پس رواست که به احترام این فداکاری، ملکیت کمبودها را تحمل کنند و نا رضی ها دست از مخالف خوانی بردارند، ولی با جبهه های آرام نمی توان از این حیلته نتایجی را که رژیم انتظار دارد، بدست آورد. پس باید در جبهه ها برآستی خوشی ریخته شود.

برای خمینی املا "مهم نیست کسسه بسد هدف های سیاسی خود با کدام درجه از خونریزی دست می یابد، او از کشته شدن ده نفر به همان اندازه اندک خیمه با سرو می آورد که از کشته شدن دهها هزار نفر، نیمه این است که از دست ما م خونگی در جبهه ها ریخته نشود. هزاران هزار نفر در خون خود بیفتند بهتر که قطره خونی از دماغ سدا احمد خمینی بچکد.

در این روزهای سرد زمستان اگر سرما به اتاق گرم و آراسته به بالشی های نرم سدا احمد خمینی نفوذ کرد، در دلد با دران دا غدیبه نیز به قلب سرد روح الله خمینی نفوذ می کند.

## تقلید خمینی از گیم ایل سونگ

اگر تا کنون کمترین تردیدی وجود داشت، اکنون دیگر کمترین تردیدی در این باره وجود ندارد که رژیم تهران از جنگ بعنوان برده ای برای بوتان شدن اختلاف های داخلی نیز استفاده می کند. تا دنی نیست که رژیم تهران درست هنگامی بر تلاش های جنگی خود فزوده است که اختلاف های داخلی رژیم را کامی دیگر به برتگاه سقوط حتمی نزدیک کرده است. رسانه های همگانی رژیم، از جمله رادیو خمینی، از آنرو نعرده های هر چه بلندتر برای پیروزی خالی می کشند تا صدای نا رضایتی عمومی از جنگ هر چه کم تر به گوش برسد. در این میان از ایران - ایران واقعی و نه آن ایرانی که در آینه کج و کوله تبلیغات رژیم می تابد خیر نشت خبر می رسد که تبلیغات جنگی رژیم جزنا شیر منگوس بر مردم ندارد. کسوس تبلیغاتی حکومت اسلامی در اسلام بیروزی ها و کما میانی های دروغی هر چه بلندتر نخواخته می شود، به همان اندازه خشم و نفرت راستی همگانی از رژیم و جنگ شدت بیشتری پیدا می کند. مردم ایران دیگر خوب می دانند که میان ما و کشور همسایه هیچ مسئله ای وجود ندارد که نتوان از راه گفت و شنود و مذاکره حل کرد، و هیچ گرهی در روابط ما نیست که برای کسودن آن با بدبسه تمشیر جنگ متوسل شد. اگر امروز رژیم تهران همچنان جنگ را ادامه می دهد، از جمله از آنروست که می خواهد از فوران بیشتر اختلاف های داخلی جلوگیری کند و

اگر تا کنون کمترین تردیدی وجود داشت، اکنون دیگر کمترین تردیدی در این باره وجود ندارد که رژیم تهران از جنگ بعنوان برده ای برای بوتان شدن اختلاف های داخلی نیز استفاده می کند. تا دنی نیست که رژیم تهران درست هنگامی بر تلاش های جنگی خود فزوده است که اختلاف های داخلی رژیم را کامی دیگر به برتگاه سقوط حتمی نزدیک کرده است. رسانه های همگانی رژیم، از جمله رادیو خمینی، از آنرو نعرده های هر چه بلندتر برای پیروزی خالی می کشند تا صدای نا رضایتی عمومی از جنگ هر چه کم تر به گوش برسد. در این میان از ایران - ایران واقعی و نه آن ایرانی که در آینه کج و کوله تبلیغات رژیم می تابد خیر نشت خبر می رسد که تبلیغات جنگی رژیم جزنا شیر منگوس بر مردم ندارد. کسوس تبلیغاتی حکومت اسلامی در اسلام بیروزی ها و کما میانی های دروغی هر چه بلندتر نخواخته می شود، به همان اندازه خشم و نفرت راستی همگانی از رژیم و جنگ شدت بیشتری پیدا می کند. مردم ایران دیگر خوب می دانند که میان ما و کشور همسایه هیچ مسئله ای وجود ندارد که نتوان از راه گفت و شنود و مذاکره حل کرد، و هیچ گرهی در روابط ما نیست که برای کسودن آن با بدبسه تمشیر جنگ متوسل شد. اگر امروز رژیم تهران همچنان جنگ را ادامه می دهد، از جمله از آنروست که می خواهد از فوران بیشتر اختلاف های داخلی جلوگیری کند و



### عراق و ایران گیت

سایروس ونس :  
ابلهانه و اشتباه آمیز

به گزارش خبرنگاری فرانسه زوانتکسین طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق ایالات متحده را بخاطر فروش اسلحه به ایران سخت مورد انتقاد قرار داد. دو عمل این کشور را به مثابه عملی غیر اخلاقی و غیر انسانی در نظر گرفته و برای خنثی کردن برتری هوایی و نیروهای زمینی عراق بوده است. به گفته وی نیروهای ایران سرازیر به دست آوردن تجهیزات جدید موفقیت بیشتری در جبهه جنگ بدست آورده اند. طارق عزیز همچنین اظهار داشت که اسلحه فروشی اسلحه به ایران، این کشور در تصمیم خود برای فتح بصره قاطع تر شده است.

خبرگزاری ریا - ۱۵ ژانویه ۸۷

### ناوگان محافظ

نما بندگان چندین شرکت کشتیرانی بین المللی روز چهارشنبه ۱۴ ژانویه از دبیرکل سازمان ملل متحد خواستار بررسی امکان ایجاد یک نیروی دریایی در خلیج فارس شدند تا از کشتیهای تجاری که در آنجا تردد میکنند محافظت کند. این نمایندگان عازم ژنوا در کمیته دریایی بین المللی کشتیرانی و دریای بالتیک و رئیس انجمن کشتیهای نفتکش مستقل. پرزده کوئلر، قنصل اعلام میدردی با افراد فوق توضیح داد که ایجاد یک نیروی دریایی برای صلح در خلیج فارس تحت رهبری سازمان ملل با اهداف مل کشورهای عضو شورای امنیت و کشورهای داوطلب دادن کشتی به این نیرو باشد. سال ۱۹۸۶ در تمام دوران جنگ ایران و عراق برای کشتیهای با ریسک تجاری از همیشه سابقه تر بوده است. پیش از حدود صد کشتی در این سال مورد حملات قرار گرفته اند. زوال ۱۹۸۶ که جنگ خلیج فارس شدت گرفته است نزدیک به ۱۸۰ کشتی مورد حملات بمب قرار گرفته اند و نزدیک به صد تن دریا نسورد کشته شده اند و خسارات دریایی تا حدود ۶/۵ میلیون تن می رسد. پس از این ملاقات دبیرکل اتنای بین المللی کشتی داران اظهار داشت که در پی اقدامات خود برای ایجاد چنین نیرویی با دولتتها تماس خواهد گرفت. در حال حاضر واحدهای دریایی ایالات متحده، اتحاد شوروی، فرانسه و انگلستان در مدخل خلیج فارس مستقرند.

خبرگزاری فرانسه - ۱۴ ژانویه

۱۳۶۴ پس از پرواز از آتن به سوی...  
عراق مل حزب الله و بسته به جمع...  
اسلامی رسیده شد و پس از توقف در بیروت...  
والجزا پرواز به بیروت با گذشت...  
سرا نجا پس از مذاکرات طولانی...  
دیپلماتیک، مسافران هواپیما ۱۶...  
روز بعد آزاد شدند.

خبرگزاری فرانسه - ۱۵ ژانویه

### ایران و عراق را فریب می دهد

روزنامه نیویورک تا یمن در شماره ۱۴ ژانویه خود به نقل از منابعی...  
اطلاعاتی فاش کرد که سازمانهای اطلاعاتی...  
آمریکا در سالهای گذشته به منظور...  
جلوگیری از بیروزی عراق و جمع...  
اسلامی در جنگ، اطلاعات غلط در اختیار...  
هر دو قرار میداده اند.

نیویورک تا یمنی افراید به عنوان...  
مثال اطلاعاتی که آمریکا در مورد...  
نیروهای شوروی پشت مرزهای ایران به...  
جمهوری اسلامی دادا عراق آمیز بود و...  
عکسهای ماهواره ای راپس از حذف برخی...  
قسمت ها و اطلاعات مهم آن، در اختیار...  
عراق قرار میداده اند.

به نوشته نیویورک تا یمن، مسئولان...  
وزارت امور خارجه آمریکا، ماه گذشته...  
تا تأیید کرده بودند که آمریکا گاه گاه...  
اطلاعات نظامی در اختیار عراق قرار...  
میداد تا جمهوری اسلامی و عراق هیچ...  
نتوانند در جنگ پیروز شوند.

خبرگزاری فرانسه - ۱۴ ژانویه

### بی اعتبار شده است

روزنامه لوموند در شماره روز سه...  
شنبه ۱۹۸۷ خود معاصره ای با...  
حسین پادشاه اردن منتشر کرده است که...  
ترجمه بخش هایی از آن از نظر خوانندگان...  
گراسی می گذرد.

خبرگزاری ریا - ۱۵ ژانویه ۸۷

### یک گروهان دیگر

در حالی که تری بیت فرستاده ویژه...  
استف کلبسیا کا شتر بوری، به تلاش های...  
خود در لبنان برای آزاد کردن گروهانهای...  
غریبی ادامه می دهد، هنوز هیچ سازمانی...  
رسودن روزها و یک روزنامه نگار فرانسوی...  
را بر عهده نگرفته است.

خبرگزاری فرانسه - ۱۴ ژانویه

### هشدار مصر به سوریه

روزنامه الاهرام چاپ قاهره در شماره...  
۱۵ ژانویه خود به شدت رژیم سوریه را به...  
علت مخالفت با شرکت مصر در کنفرانس...  
اسلامی، مورد حمله قرار داد و نوشت: مصر...  
بزرگی از رژیم حافظ اسد بخاطر حملاتش...  
علیه مصر، حساب خواهد خواست.

خبرگزاری فرانسه - ۱۴ ژانویه





# رابعه و بکتاش

## عشق شورانگیز قدیم ترین شاعره فارسی زبان

رابعه دختر کعب، اهل قزدار (یا قصدار) معروف به قزدار ری بلخی‌تبار پدختین زن شاعری با شکوه در اسیان کارنام آورده و سخن او در لغت و حسن تاء شیروا شدن معانی دلایز معروف است. وی از شاعران قرن چهارم هجری و احیاناً از شاعران رودکی (شیمه اول سده چهارم) است. عوفی گفته است که وی به عربی و پارسی شعر نیکویی سرود. نیز در احوال او نوشته است: "پیوسته عشق با حتی و شاه‌داری کردی". اما پیش از روزگار عوفی، شیخ عطار در الهی نامه داستان عشق شورا نگیزا و را با یکی از غلامان نیرا درش، که بکتاش نام داشته به نظم آورده و او را از هوس رانی و شاه‌داری منزه دانسته است. جایی نیز نام او را در شمار زنان زاهد آورده و از قول ابوسعید ابوالخیر گفته است که "دختر کعب عاشق بود بر غلامی، اما عشق او از قبیل عشق‌های مجازی نبود."

اینک خلاصه داستان این دو عاشق تلخ کام به روایت عطار:

امیری ستم عالی رای بودی  
که اندر حد بلخش جای بودی  
بعدل و داد امیری پاک دین بود  
که جفا اولمک ز آدمیان بود  
بمردی و به لشکر صعب بودی  
به نام، آن کعبه دین کعب بودی  
ز رایش فیض و نغمه شمس و قمر را  
ز جودش نام و نمان اهل هنر را  
ز عدلش میش و گرگ اندر حوالی  
به هم گرگ آنتی کردند حالی  
عطار به تفصیل تمام این امیر کعب را در ای تمام صفات نیکو و فضایل انسانی فرا می نماید و از هیبت و رحمت و قهر و مهر و جفا و حلم و خشم و بخشش و لطف و خوبی خوش او سخن ها سا زمی کند پس گوید:

امیر پاک دین رایک پسر بود  
که در خوبی به عالم در ستم بود  
رخس حون آفتابی آن پسر داشت  
که کمتر نیندیده پیش خود مرده است  
نهاده نام حارث شاه آورا  
که برسته جو جوزا ماه آورا  
یکی دختر در ایوان بود نیز  
که چون جان بود شیرین و عزیز  
شا عر گوید که این دختر زیبا در اصل "رُحْنُ التَّوْبِ" (زیبنت قوم عرب) نام داشت، سپس زبان به ستایش زیبایی وی می گشاید و سرا پای وجود او را عضو به عضو جز به جز به زیبایی و دل فریبی می ستاید و ما از این توصیف استادانه و مفصل به بیعتی چندان گفتا می کنیم:

خوبی در جهان افسانه بودی  
دورگس دانت نرگس دان زیبا دم  
چود جادو و دوزنگی بچه در دام  
دوزنگی بچه هر یک با کمانی  
به تیر انداختن هر کس که جانی  
نکر از لعل او طعمی دگر داشت  
که لعلش نوش دا رود سرگردانست  
جوسی دندان او سرجان نمودی  
نثار او سدی هر جان که بودی  
لب لعلش که جام گوهری بود  
سراش از زلال کوثری بود  
جمالش را ممت کردن محالست  
که از من آن مفت کردن خیالست

اما تمام زیبایی های این ماه رو و منحصراً به جمال ظاهری نبود، چه وی با این همه حسن طبیعی لطیف داشت و در کار شعر چندان توانا بود که هر چه از مردم می شنید به روانی و آسانی به نظم می آورد.

پدر، که بیشتر و بیشتر از هر کس دختر خود را می شناخت همواره به دلداری و تیمارداری اومی گوشید و غاسبت مقصود وی آن بود که دخترنا زینش به خوشی روزگار بگذراند و هیچ غبار رکودرتی صفای خاطر او نیرساند، لیکن سرانجام اجل در کمین همگان است. امیر کعب بلخی را نیز اجل فرا رسید و چون خویش را از زره سیار آن وادی نیستی یافت پسر را بخواند او را برای شنیدن و آیین سخنان نزد خود نشاند و پس از زوما یای لازم: سد و پسر دختر را که زنه سار

زمن بپذیرش و تمنا رسیدار  
ز هرو جوی که مایه ساخت کارش  
ساز زونا ز گردان روز کارش  
که از من خواستند نامداران  
بسی گردن کشان و شهریاران  
ندادم من به کس گرتو توانی  
که مایسته کسی با بی، تودانی  
گواه این سخن کردم خندان  
کولیده مگردان جان مارا  
با خر جان شیرین ز وجد است  
ندادم تا حرا آمد حراسد

پس از درگذشت پدر بر جای وی نشست و ده دگوری پیشه گرفت.

اما خواست آدمی دیگر است و بیای زین سرنوشت دیگر، دختری بدین زیبایی و لطیف طبیعی، کسی که بسی گردن کشان و شهریاران خواند و بوده اند و پسر او را بدیدار و بدیدار نشاند

است، هر جا رود نظر را به خود جلب می کند. از سوی دیگر او خود نیز نیا ز منبر کسی است که با حسن و زیبا نشیوی را بدارد، بدو مهر و روزد و به ستایش زیبایی های ظاهری و باطنی وی زبان بگشا بد. هیچگاه که از معشوق بی عشق به ما مان نمی رسد و او خود با بدیهه منقنا طیس زیبا بی عشق را به خود جذب کند. اما این عاشق کجاست؟

غلامی بود حارث را بگانه  
که او بودی نگهدار خزانه

به نام، آن ماه و س بکتاش بودی  
ندانم تا کسی همنش بودی  
به خوبی در جهان آعجوبه ای بود  
غم عشقش محب منصوره ای بود

مکمل بودی به زیبایی جمالش  
همه عالم طلب کار وصالش  
اگر عکس رُحْنش گشتی پدیدار  
به جنبش آمدی صورت زدیوار  
این بکتاش، با شغل خزانه داری که داشت، همواره ندیم و ملازم امیر و زنده یگان و حاضران مجلسی وی بود. در یکی از نامه های بیخاری که سیزده دهمیده و کگل سرخ از غنچه بیرون آمده و بنفشه کتار چوپیا را ن آراسته بود و بلبل از عشق شب نمی خفت و آهنگ ها و داستان های گوناگون می خواند، در چشمش ندا زبا غمجلسی برای شاه حارث آراسته بودند.

در چنین با مدادی، برایش از سرنوشت، دختر کعب به با مبرآ مدتا در ضمن نظاره معانی باغ و چمن، به بزم و جشن برادر نیزنگاه می بیند:

چون لختی کرده سروئی نظاره  
بدید آخرخ آن ماه پیاره  
چو روی و عارف بکتاش دید او  
چو سروی در قبالاش دید او

جهانی حسن و قف چه بره او  
همه خوبی چو یوسف به بره او  
بمافی پینی شاه اسفاده برجای  
سر زلف در زانگنده دریای

ز سستی روی چون گلنار کرده  
مزه در چشمش عاشق غار کرده  
بدان خوبی چو دختر روی او دید  
دل خود وقف یک سوی او دید

در آمد آتش از عشق زودش  
بغارت برده گلی هر چه بودش  
چنان آن آتش در جان اشتر کرد  
که آن آتش نفس را بی خسر کرد

دلش عاشق سد جان منجم گشت  
ز سر تا پا وجود او عدم گشت  
رابعه به دیدار بکتاش دل از دست بیداد، و چون افشای راز در میان عاشق و معشوق بزرگ ترین گناه است، و در هر حال امیرزاده ای چون او محال بود که از سودای عشق غلام برادرش بی خبری آرد، ناچار آن ماه روی بیمار شد و به بیشتر رنجوری و نالانی افتاد، اما در عشق رابعه، او نمی توان درمان کرد:

طیب آورد حارث سود کسی داشت  
که آن بت دردمی در آن زنی داشت  
چنان دردی کجا درمان پذیرد  
که جان درمان هم از جان پذیرد

سرانجام نیز چون کار رنجوری وی در زکشت و برزگشان از درمان آن عاجز آمدند، طیب عشق روی در کار آورد و به درمان بیمار پرداخت:

درون برده دختر دایه داشت  
که در حیات گری سرمایه ای داشت  
بصدحلت از آن مهوری درخواست  
که ای دختر چه افتادت بگوراست

نمی آمد مگر آبت که ماه  
مگر آمد، زبان بگشا آنگاه  
که من بکتاش را دیدم فلان روز  
به زلف و جبهه جان سوزد دل افروز

چو سرمستی زیبای داشت در بر  
من از وی چون ربایی دست بر سر  
چو بشنومم از آن سرگس سرودی  
ز چمنس ساختم در پسرده روی

چنان عشق مرا بسی خوبی آورد  
که صد ساله غم در پیش آورد  
رابعه، پس از آن که در دل خویش با او به گفت و راز خود را بدو فاش کرد، درمان درد عشق را هم از او خواست:

کنون ای دایه بر خیز و روان شو  
میان این دو دل سرد میان شو  
برو این فقه با او در میان نه  
اساس عشق ایس دومهران نه

و گرنه تیغ گبر و تصدجان کن  
دریا با این نامه نقش روی خویش را نیز برکشید و به دست داد به سردوارا به سوی معشوق روانه کرد. دایه بر رفت و نا مه را به بکتاش رسانید و بکتاش: حونقش او بدید و سر بر خواند

ز لطف طبع و نقش او معجب ماند  
به یک ساعت دل از دستش سرون شد  
حونقش آمد دلش از غم خون شد  
نهنگ عشق در حالش ز سون کرد

کتا رود انش دریای خون کرد  
بدین ترتیب آتش عشقی که نخست در جان معشوق شعله ور شده بود، به جان عاشق نیز سرایت کرد. وی دایه را گفت: برخیز و پیمان من بدان یا رنگو روی بر و بدو بگو: اگر روشن کنی چشم به دیدار

به صد جانم نتوانم شد خریدار  
همی میرم کنون، ای زندگانی  
اگر دریا بیم ور نه، تودانی  
دا یما زکشت و داستان عشق بکتاش را بدو با زگفت. دختر بسیار شادمان شد و آن روز به بعد گری جز شمر سرون نداشت. هر شعری که می گفت نخست با ربی برای معشوق می فرستاد. وی آن شعرها را می خواند و هر روز عاشق ترمی شد.

بر این خون مدتی بگذشت یک روز  
بدهلیزی برون شد آن دل افروز  
بدیدش ناگهی بکتاش و بنشاخت  
که عمری عشق با نقش رُحْنش باخت

گرفتش دان و دختر بر آسفت  
برافشا نداشتین آنکه بدو گفت  
که هان ای بی ادب این چه دلیریست  
توروا هی ترا چه جای شیریست

نیارد گشت کس پیرامن من  
که با ش تو که گیری دان من  
غلامش گفت ای من خاک کویست  
چو میداری زمین پوشیده رویت

حرا نغم فرستادی شب و روز  
دل مبردی بدان نقش دل افروز  
چو در اول مراد پیوانه کردی  
چرا در آخرم بیگانه کردی

جوابش داد آن سمن بر آنگاه  
که یک ذره نه ای زین سرتو آگاه  
سرا در سینه کاری او فتادست  
ولیکن از تو آن کارم گشادست

ترا این بس نباشد در زمانه  
که تو این کار را با ش بیانه  
رابعه پس از این پاسخ بکتاش را ترک گفت و از نزد وی بیرون آمد. در همین مقام است که عطار از قول ابوسعید ابوالخیر نقل می کند که از او پرسیدند آیا عشق دختر کعب عشق مجازی بود یا سوزی از جانب حق بر دل وی رسیده بوده است؟ ابوسعید در جواب گفت:

از شعری معلوم است که با مخلوق کاری نداشت  
و به عشق حق روزگار می گذاشته است. در حال روزگاری بر این داستان بگذشت و رابعه همواره در سوز و گدا زبود و به شعر سرودن شب و روز می گذرانید تا روزی حسارث را دشمنی صعب روی نمود. سیا همان دوطرف روی در هضم آوردند و کمر به خون ریختن بگدیر بستند. بکتاش نیز در میان سیا همارت دلیری ها می کرد و به دوست تیغ می زد که ناگاه از بخت بد تیغی از سیا همان دشمن بر سر وی رسید و او را زخمی کرد و چینی نهاد که گرفتار دشمن شود. ناگاه سوار ی نقاب دار از راه رسید و دلیرانه سیا ه دشمن زدوده تن از سواران خصم را بیفکند و بکتاش را بگرفت و به صف سیا ه را ن برد خود روی نهاد کرد.

اما چون شب فرا آمد، دختر که از زخمی شدن معشوق دلش سخت به درد آمده بود، تاب نیاورد و نامه ای از سر درید و نوشت و به دست دایه به دو فرستاد. بکتاش از دیدن شعر رابعه آرام یافت و نامه ای بر او فرستاد. آن وقت رادر آن روزگار رودکی، استاد شاعران جهان، در آن سرزمین بود و شعری به دختر فرستاد و جوابی از او گرفت و در این مثنایه از عشق دختر آگاه شد. سپس روی به بخارا نهاد و به مجلس شاه در آمد. شاه شعری از او طلب کرد. رودکی شعر دختر کعب را بخواند. همگان برگوبنده آفرین خوانند و شاه را از او پرسید که گوینده این شعر کیست؟ رودکی نیز از حضور حارث برادر رابعه در آن مجلس آگاه شد:

ز سرمستی زبان بگشا آنگاه  
که شعر دختر کعب است ای شاه  
به صد دل عاشق است او بر غلامی  
در افتاد دست چون مرغی به دایمی

زمانی خوردن و خفتن ندارد  
بجز بیستی و غزل گفتن ندارد  
اگر صد سر گوید بر معانی  
بر او می فرستد در نهانی

سخنان رودکی موجب مرگ رابعه شد. حارث برادرش که در آن مجلس بود خود را به مستی زد، اما ساخت از این ماجرا در تاب شد و بیوسته بر سر آن بوده که از خواهر

ز هم من جدا آخر حارثی  
دو چشم روشنائی از خود آرد  
دل من نیز آسائی از تو دارد  
سیا و چمن و دل را میهمان کن

### کوارش های ایران

نابوشی نیباده در عهد رسول الله

شهبانسی در برابر فشار واقعیتها

#### از گروه های اطلاعاتی نهضت مقاومت ملی ایران

همه چیز حکایت از آن دارد که تهاجم با موفقیت کربلای ۴ که روز چهارشنبه سوم دیماه صورت گرفت در واقع طلوعه همان حمله ای بزرگی بود که مقامات جمهوری اسلامی آنرا "حمله سرنوشت ساز" نام داده بودند. تهاجم که قرار بود از سه محور و تقریباً "همزمان" آغاز شود و نیکان آن متوجه بصره باشد، در همان محور اول از هم با شد، تمامی نیروهای بسیجی که از همین محور، حمله ای شبانه خود را از رود کارون به سمت آسنوی دجله و تا جزیره ام الرصاص آغاز کرده بودند، بی آنکه دو محور دیگر مطابق طرح جنگی به آنها پیوسته باشند، در ام الرصاص به دام افتادند و گرفته می شود. از این نیروی عظیم و بی شمار حتی یک تن زنده با ننگشته است، تعداد این نیروها یک سوم از سپاه یکمدهزاد رنبری محمد رسول الله برآورد می کنند.

از یک هفته پیش از تهاجم به بیمارستانهای پایتخت آمده باش داده بودند. بیمارستانها طبق دستور کتبی سپاه پاسداران موظف بودند که از پذیرش بیماران خودداری و زنده و آواره ها را به بیمارستانها بفرستند. در صورت لزوم بیشترین ظرفیت تخت بیمارستانی را در اختیار مجروحین جنگی قرار دهند. اگرچه طی دو ماه گذشته دست کم چهار بیمار به بیمارستانها آمده باش داده شد، اما نشانه های بسیاری حکایت از آن میکرد که تهاجم جدیدی تدارک شده است و آمده باش این با ریسار جدی است. از روزیکشنبه سه روز پیش از آنکه تهاجم آغاز شود، کمتر کسی در مقر سپاه پاسداران تردید داشت که تهاجم این با رحتمی است. در همین روز یک نیروی اسداده بهداری همراه خیل عظیمی از تکتیسین های بزرگی و دارو و آمبولانس بسوی جبهه جنوب گسیل شد. در حالیکه عراقی ها با هواپیما قلمرو فضا بی ایران را از آذانه در می نمودند و در خفا بانهای کرمانشا مردمی دفاع را از فاصله ای کم به رگبار مسلسل می بستند و جمهوری اسلامی برغم اشتمل خوانیهای خود در به جلوتگیری از آنها نبود، و در حالیکه کنترا نیس همیاری مردم عراق در تهران گنایش یافته بود در آن تمام مخالفین رژیم مدام گرد آمده بودند و خمینی قصد داشت تا در چنین موقعیتی با مصلح "شیرین بکار" که متراکی در سپاه پاسداران تردید داشت که این تهاجم، عاقبت همان تهاجم موعود "سرنوشت ساز" نیست، اما اکنون که نتیجه حمله یک شکست فاحش بوده است، در سپاه زمزمه در گرفته است که حمله آنها "لو" رفته و دشمن از تهاجم آنها با خبر بوده است. گفته میشود هیچ فرمانده سپاه حاضر نیست مسئولیت شکست را به گردن بگیرد.

نیروی بی که قرار بود خود را به جزیره ام الرصاص برساند، می با بیست از نقطه های عمیقی در رودخانه کارون

بگذرد و خود را به آسنوی رود برساند، پس از آن قرار بود این نیرو از دجله نیز بگذرد و در خاک عراق مستقر شود. و نیز نیروی آماده دیگری از یکی از مردابهای خونین شلمچه و دیگری از آبادان به این نیرو پیوستند. نیرویی که از آبادان حمله اش آغاز می شد، در میان قرار داشت و نیکان این تهاجم بزرگ را تشکیل میداد. این تهاجم در چند مرحله و برای مدت چند هفته طراحی شده بود و در ابتدا میبایست جاده ای بصره قطع شود و سپس هدف غایی، یعنی تصرف بصره، مورد توجه تمامی نیروهای مهاجم قرار گیرد. در عین حال برای آنکه از فضا و نیروهای عراقی به میانه جمان ایرانی کاسته شود در طرح بود که حمله های نیز از بخشهای شمالی صورت گیرد.

نیروی اولیه از طریق قایق ها خود را به جزیره ام الرصاص رساند و بی هوده ساعت ها در انتظار تهاجم کمکی دو محور دیگر باقی ماندند. نه از شلمچه و نه از آبادان هیچ محورتا زهی گشوده نشد، اکنون که چند هفته از این تهاجم با موفقیت گذشته هنوز هم فرماندهان سطح بالای سپاه در نیستند به این سؤال که چرا در دردهای پایین جواب دهند که چرا دو محور دیگر تهاجم دادند و تهاجم خود را متوقف سازند. زمزمه های که در میان سپاه وجود دارد حکایت از آن دارد که هم ایرانی ها منتظر چنین آمده باشی در خطوط دفاعی عراقی ها نبودند و هم قدرت آتش زمینی و هوایی دشمن را دست پایین گرفته بودند. این قدرت آتش چنان شدید بود که نیروهای دو محور دیگر در واقع از حمله پیشمان شدند. مجروحان به سبب شیمیایی که اکنون در بیمارستانهای تهران و در بخش های خاص بستری اند و تعداد عمده ای از آنها نیز در استادیوم بزرگ آریا مهر مستقر هستند از تقاضای کمک فرمانده نیروهای که خود را به جزیره ام الرصاص رسانده بودند سخن میگویند. قایق های که این نیروها را به آن سوی رودخانه رسانده بود، دیگر قادر نبودند آنها را بازگردانند. فرمانده نیرو که یک سپاهی بود هنگامی در ساقست تهاجم محورهای دیگر لغو شده که کارزار گذشته بود، هنگامی که فرمانده این نیروهای زمین گیر در جزیره تقاضای کمک کرد، جواب به او مستقیم، کوتاه و قاطع بود: "حمله لغو شده، راه برگشتی نیست. سعی کنید پیش از آنکه تهاجم شوید عراقی های بیشتری را به درک بفرستید."

ام الرصاص مدت کوتاهی در دست اسن نیروی ماء یوس افتاد. ولی قتل عام عراقی ها از این نیرو چندان طولانی نبود. اساساً تهاجم کربلای ۴ چندان طول نکشید. پاسخهای روشنی در دست

شده در صفحه ۸

نتیجه مصیبت با آخرین تهاجم که کربلای ۴ نامگذاری شده بود، بیش از همه حملات موفق و ناموفق پیشین خطیر و گسترده بود. در واقع شکست ناشی از این تهاجم مسائلی را به بار آورده که تا خیرتی در تصمیمات آتی رژیم خود را نشان خواهد داد. از آنجا که این حمله طلوعه حمله بزرگ و به اصطلاح مسئولان رژیم "سرنوشت ساز" بود رژیم قصد داشت از آن بهره برداریهای سیاسی مختلفی بکند، اکنون با پدیده عواقب سیاسی آن کنار میاید. بی تردید نتیجه ای این تهاجم نام کام، تحولی قابل انتظار را در طرز تلقی رژیم آخوندی از نقش سلاحهای مدرن در جنگ پیش خواهد آورد.

تهاجم کربلای ۴ درست در روزی آغاز شد که کنترا نیس همیاری ملت عراق، با شرکت عناصری از مخالفان رژیم مستقر در عراق، در تهران، افتتاح شد. به نظر میرسد هدف آن بود تا نتایج این تهاجم، که رژیم میدواید در قدم اول با فتح جزیره ام الرصاص همراه باشد، کنترا نیس را شدیداً "تحت تا" شتر قرار دهد. در عین حال، ادا مته تهاجم که طبق طرح مسیاست از سه محور صورت گیرد و هفته ها بطول انجامد، قرار بود کنترا نیس را عملاً با حرکت جدی و مصممانه جمهوری اسلامی برای تصرف بصره و براندازی مدام حسین و روبرو سازد و پیشوا نهی مشخصی برای تصمیمات کنترا نیس و قطعاً مته نهایی آن باشد. رژیم میدواید و نتایج موفقیت آمیز و خیره کننده جنگ، اختلافات میان گروه های مخالف مدام را بر طرف سازد و همه آنها را با دورنمای یک رژیم مورد پسند جمهوری اسلامی موافق سازد. در عمل البته خوا بهای مسئولان جمهوری اسلامی غیراً زایسین تعبیر شد، تهاجمی که مقدمه حمله بزرگ و سرنوشت ساز زمیبا بست باشد، در همان قدم اول وساعات اول با تکستی فاحش از نفس افتاد. در عین حال رژیم قصد داشت با این تهاجم هدف دیگری را هم نشانه رود. کنترا نیس سران اسلامی که قرار است در کویت برگذا شود، میبایست با این حرکت تبلیغاتی ایران کوتاه بیاید و به نیات و مقاصد ایران گردن بندد. از آنجا که شکست سپاه پاسداران و پیشیهای در جزیره ام الرصاص بسیار جدی بود و نتیجه دلخواه جمهوری اسلامی را به بار نیاورد. مسئولان تصمیم گرفتند که ورق را برگردانند و اساساً در کار تشکیل این کنترا نیس در کویت اغلال کنند. با آنکه تا پیش از شکست تهاجم مسئولان چیزی که حاکی از مخالفتشان با تشکیل چنین کنترا نیس در کویت باشد را نکرده بودند، حمایت کویت از عراق را بیانه قرار دادند و آنجا را مکان امنی برای تشکیل کنترا نیس سران به حساب نیاوردند. در واقع تلویحاً "به رئیس کنترا نیس، آقای بیرزاده، بیسار آاور

شدند که کنترا نیس سران در کویت در تیسر رس حملات انتقا مجویا نه آشان قسرار خواهد داشت. در زمینه اصلی، یعنی جنگ نیز تحولات فاحشی را باید پس از این تهاجم ناموفق منتظر بود. رژیم که سخت بیعتناک از بالا گرفتن تهاجمات در میان مردم و بروز علنی این تهاجمات است، برده یوشی در زمینه جنگ را با شدت زیاد رعایت می کند. در مصوحه حملات گذشته خطی خاص از فرودگاه تا شهر اختتام به حمل مجروحان و اساده داشت، اکنون با بنیانکاری کوشش میشود که حمل اجساد شبانه و کاملاً دور از انظار صورت گیرد. حتی در میان سپاه و ارتش نشانه های از بروز اعتراض دیده می شود. اینجا رهیابی که روز شنبه ششم دیماه در پادگانی در سلطنت آباد صورت گرفت و اسار مهمات سپاه را یکی مینهدم کرد و گرفته میشود که بیش از ۳۰۰ نفر تلفات داشت اکنون معلوم شده که تعدادی نبوده است. آتش سوزی مهبی که متعاقب آن در پادگانی عشرت آباد رخ داد حکایت از آن دارد که دستهای در کار بوده تا اعتراض و مخالفت ارتش و سپاه را با ادا مته جنگ گوشزد کنند. شایع است که ها شمی رفتنانی کوشیده بود با آمریکا شیا نزدیک شود تا برای ارتش سلاح بتوا نند فراهم کنند. گرچه ها شمی رفتنانی امیدوار بود با این کار بتواند محبوبیت و نفوذش را در ارتش بالا ببرد، اکنون آخوندها به این نتیجه رسیده اند که حملات "امواج انسانی" در برابر آتش کوبنده و موثر تر عراقی ها که مجهز و مسلح به اسلحه مدرن هستند کار ساز نیست. از اینها گذشته، افزایش تلفات ایرانی ها و بی نتیجه بودن حملات، بیزاری و مخالفت با جنگ را تا دورترین نقاط کشور را من زده است. حتی شایع است که در درورد جدید مذاکرات ایرانی ها و آمریکائی ها در لاهه یکی از درخواستهای جدی ایرانیها در ساقست اسلحه در قبال آزادی گروهک نهیهای آمریکا شمی در لبنان بوده است. کسی بنیان نمی کند که احتمالاً یکی از دلایل بی نتیجه بودن این مذاکرات را با پدید آمدن موفقیت تهاجم کربلای ۴ جستجو کرد. احتمالاً آمریکا شیا امیدوارند که تهاجم ایران به اسلحه را زمینه ای برای بازگرداندن "عقل" در کله های مسئولان جمهوری اسلامی قرار دهند.

بقیه در صفحه ۱۱

# نامه‌ها و نظرها



با تمام ناامنی‌ها و ناآرامی‌ها و ناوشت‌های خوانندگان گرامی حفظ برای معنای نگارنده و غنای و برداشته‌های علمی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و هم‌راستی ارگان مرکزی نیست. تفاوت ملی ایران با معادله این سوشل‌هاست. از نویسندگان نامه‌ها تماماً می‌کنیم نام و نشان خود را ذکر نکنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود نامه‌ها و نشانی‌ها تا زمان محدودیت بهمانند افزون بر این، از چاپ نامه‌ها می‌گذرانیم تا نسبت به انشایی و گروه‌ها هتک حرمت شود و ما نسبت به سرگورانی قلم محفوظ نگه‌داریم. منتظریم انتخاب عنوان نامه‌ها از ما است.

## استخاره برای استخدام

یکی از تحصیلکرده‌های رشته‌کسب و کاری در دانشگاه‌های اروپایی که قریب تبلیغات کمراه‌کننده رژیم را خورده و برای خدمت راهی ایران شده و پس از مدتی سرگردانی و تحمل مشکلات در کشور دوبا در غرب با ز گذشته است می‌گفت: چند ماه قبل در هتلی در یکی از کشورهای اروپایی بیدار فرستادگان رژیم که برای جلب افراد تحصیلکرده برای راهی این دپارتمان بودند فرستم. چرب‌زبانی و تملق آنان آنقدر گریح و کمراهی ساخت که بدون هیچگونه مشورت با دوستان یا رفقایم و با تسهیلاتی که در اختیارم گذاشته شده بود بدون دردسرها و دشواری‌ها، ابتدا از دیدن اوضاع اسفناک و ویران شده کشورم سخت بیکه خوردم و تمام روزها و خاطرانی که برای خود ساخته و پیرداخته بودم نقش بر آب شد. از اینکه پدرم را در خواب و خوابا و ندانم یا چه مشقت و در واقع مسکنی زندگی را می‌گذرانم شرمندم. اما سا بخود دل‌داری میدادم که پس از اشتغال بکار میتوانم کمکمی برای دیگران باشم. در روز بعد با نومیته‌های که از گروه اعزامی دریاف کرده و سفرات جمهوری اسلامی نیز تا شیدیه‌ای بر آن اضافه کرده بود و وزارت کسب و کاری مرا معذورم. چندین روز طول کشید که اولیا و وزارتخانه تا زه فهمیدند که چه خواسته‌ام و بایستد به کدام اداره مربوطه مرا جعه‌نمایم. عاقبت مرا با زمان حفظ نسبتاً حواله دادند که در حقیقت ما جرای زمین اداره آغاز شد.

تصورم این بود بر منای آنچه‌که آخوندها دادند. در گفتار و خطبه‌های روزهای جمعه از گرامی‌ها شدت افکار و تحویل‌کرده‌ها در سخن می‌دهند و آرزوی با زکشت آنان را به ایران دارند. لااقل بقیه ز صفحه ۷

نیست که چرا این نیروها را با زکشتی نداشتند. مجروحان، چون متعلق به یک محوردیگر حمله بوده‌اند و از صحنه جنگ دور بوده‌اند، اطلاع درستی ندارند. متأسفانه هیچ سبایی زنده‌یسی از جزیره‌ی مرگ برنگشته تا حقیقت را افشا کند. سبایی‌ها ساران، در سطوح فرماندهی، به سختی می‌کوشیدند تا هیچگونه خبری از این تهاجم مرگبار به بیرون درز نکنند. بهرحال، آنچه در همان نگاه اول به نظر می‌رسد آنست که برغم برنا مدریزی برای یک تهاجم طولانی، این حمله‌ها یک طراحی دقیق جنگی همراه نبوده است. معمولاً وقتی ارتش حمله‌ها را طراحی میکند و آنرا به کمک متخصصان پیاده می‌کند، امید موفقیتی در آن دیده میشود. از جمله این گونه حمله‌ها میتوان حمله به "فاو" را نام برد. آنچه اکنون مسلم است آنست که هم‌نیروی حمله‌کننده‌ی اولیه و هم‌نیروی منتظر در محور آبادان بسیجی بوده‌اند، گرچه مجروحان جنگی چندان اطلاع دقیقی از نیروهای محور شلمچه ندارند، ولی در مورد آنها نیز نمیتوان این حدسی را زد که آنها نیز جزو همان سپاهیان صدهزار نفری بوده‌اند. این

یک استخاره چندین هفته سرگردان باقی ماند و با رها و رها بسسه، دایره مراجع کردم. عاقبت همان شخصیت اول اداره مرا احضار کرد و بدون هیچ شرم و کاری گفت: "استخاره‌ها آمده‌است و ما کاری از دستمان ساخته نیست."

با رییس - شهبا زمیرحسینی

## درس خطیر

فکر من این است که ایران با تمام ناامنی‌ها و ناآرامی‌ها و ناوشت‌های خوانندگان گرامی حفظ برای معنای نگارنده و غنای و برداشته‌های علمی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و هم‌راستی ارگان مرکزی نیست. تفاوت ملی ایران با معادله این سوشل‌هاست. از نویسندگان نامه‌ها تماماً می‌کنیم نام و نشان خود را ذکر نکنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود نامه‌ها و نشانی‌ها تا زمان محدودیت بهمانند افزون بر این، از چاپ نامه‌ها می‌گذرانیم تا نسبت به انشایی و گروه‌ها هتک حرمت شود و ما نسبت به سرگورانی قلم محفوظ نگه‌داریم. منتظریم انتخاب عنوان نامه‌ها از ما است.

روابط بین‌المللی و با جمهوری اسلامی که در حدود دو سال پیش آغاز شده است. نکته‌ای مبهم برای امریاتی‌نگذاشته است که بر زبانت امریکا اگر گاه و بیگاه به حال زندانیان ایرانی دل سوزانده و با برای بهائیان ناله سر داده و حکومت خمینی را بر بروحی نامیده و آنرا در لیست سبای دولتی‌های شرویت جای داده، با زنی می‌گردوشعبده در کنار می‌آورد.

اینک اگر با زهمای ایرانی با شند که منتظر "فرست مناسب بین المللی" نیستند و با چشمه‌سوی "میز ایران" در وزارت امور خارجه کشورهای بزرگ دوخته‌اند، باید انگشت نومیذی گزید سمی تنس کرده‌اند و ربه‌های آنچسبایدیدار دیده در بیما رستا نهایی نظیر تجمیه، اما محسن، سعادت آباد و غیره بستری کرده‌اند و اندوایدی نیز به بهودی آنها نمیرود. سوختگی ناسی از این گازهای سمی بسیار دردناک است و در درمان می‌بذیرد و بسیار از پزشکان معتقدند که حتی پس از بهودی نیز امکان استیلا به سرطان پوست وجود دارد. شکست کربلایی - ۴ در سپاه حتی از شکست‌های دو حمله رمضان و العجمه‌مقداتی نیز سوختن و فاجع تر تلقی شده‌است. برخی زبانه‌ها معتقدند که تدارک حمله‌ی نظیر آن دوتا سه ماهه وقت لازم دارد. چون هر حمله دیگری منوط به جمع آوری صدهزار نفر دیگر، تدارک و تجهیز و سایل است. گرچه بیش بینی‌ها در سطوح بالای سپاه غیر از این است. فرماندهان سپاه، برای آنکه فضاحت شکست را جبران کنند، مصمم‌اند حمله دیگری را به همین زودی تدارک

و هیبت‌کنان برآینده وطن دل سوزانند ما ایرانیان اگر خود را تحمل دشواریها، سختی‌ها و بذل جان و مال، در صفتی واحد بر نخیزیم و دست به دست بیکدیگر نهدیم این وطن بلا دیده هر روز موضوع معاللات تازه‌ای قرار خواهد گرفت و در دوردیغ که استقلال و تمامیت آن نیز به خطر خواهد افتاد. از نویسندگان نشریه وزین قیام ایران، انتظار عاجل داریم که بهیمن سبت "ایران گیت" در این مقوله‌ها سخن بدهند که در موقعی باریک و لغزان افتاده‌ایم و خطرات بسیار، خاک‌ساران ما را تهدید می‌کند.

با احترامات  
دانشمارک - رضا سخاوند

## گزارش‌گاه چهارم

در آخرین روزهای سال ۸۶ یکبار دیگر تمام ویرانه‌های از جنگ فاجعه آفرین جمهوری اسلامی و عراق، به تکیه تکیه‌های جهان را به خود اختصاص داد. دویساره از کشته‌پشته‌ها ختند. دویساره جتا زه‌های بی سر، دویساره جدهای هزار تکه، دویساره فوران خون، دویساره سفره‌های میمن و خمپاره، دویساره سینه‌های دریده، شکم‌های ترکیده... دویساره‌های تیرگی و تسلیم. دویساره همان غامضی مثل "رئیس جمهوری که عملیات کربلای چهار را، عملیاتی محدود می‌خواند و دویساره وعده سوختم می‌دهد که: "عملیات وسیع و سرنوشت ساز در زمان مناسب صورت خواهد گرفت" مردم جان به لب رسیده، وطن انما می‌پرسد که: "برای رسیدن به آن زمان مناسب، چند دهه زار کشته دیکتر یا بیده‌گشتا رگا چهاران سیرد؟"

مریم - ف - ایتالیا

## دو پیام

آقای ن. ا. ب. خواننده گرامی قیام ایران و مترجم مقاله، نردوشترنج: خواهشمند است نشانی خود را بسرای ما بفرستید. آقای دکتر محجوب مطالب لازمی دارند که بایستی شما بفرستند تا در ترجمه خود مورد استفا ده قرار دهید.

هموطن گرامی آقای ناصری - آلمان

در پاسخ نامه مورخه سی ام اسامی ۱۹۸۶ شما با کلامتان میرسانیم که متأسفانه برای ما تهیه شماره‌های کسری قیام ایران مورد درخواستتان میسر نیست.

ببینند، اکنون در سپاه‌ها له‌حیثیت مطرح شده، جنگ با عراقی‌ها در مرحله دوم قرار گرفته‌است. برای کسب حیثیت بر باد رفته سبایی‌ها گزیر است که حمله‌ی دیگری را هر چه زودتر تدارک ببینند. رژیم برای بردوشوی این شکست فاجع به همه کاری دست زده، از جمله اجساد کسدر ایمنوی رودخانه‌ها نمانده‌اند اکنون شبانه و وسیله‌ها تکرها و کامیون‌های سروصدا به تهران حمل می‌شوند. گرچه هیچگونه رقمی را نمیتوان به دست آورد که تعیین کننده تعداد دلتفات حمله‌ها خیر باشد، اما گفته میشود که فاجع سبایی‌ها محمد رسول الله خواهد شد. تخمین‌ها تعداد دلتفات را بین سی تا سی و پنج هزار نفر برآورد می‌سازد، اما با احتساب کسانی که از طریق سبب شیمیایی زخمی شده‌اند و مجروحان دیگران بین حمله، عملاً رژیم ناگزیر است در فکر جمع آوری سپاه دوم محمد رسول الله باشد.



## نابودی سپاه محمد رسول الله

نیروی تنها نیرویی از این سه محور تهاجمی است که دست نخورده باقی مانده است. بهرحال، با آنکه نیرویی که خود را به جزیره‌ام الرصاص رسانده بود، کاملاً منهدم شده بود، هنوز جنگ یکسره با بیان نیافته بود.

اکنون با اعتراف مجروحان به شیمیایی این نکته را می‌توانیم که کل این تهاجم تنها ۱۲ ساعت طول انجامیده است. بخش زیادی از این فرصت صرف کوبیدن محور آبادان شد. این نیرو را که قرار بود تک‌پیکان حمله باشد، عراقی‌ها با بمباران‌های هوایی و با بمب‌های شیمیایی از پای درآوردند. کل این نیرو که تقریباً ۹۵ درصد آنها صدمه دیده‌اند، در ۱۲ تا ۱۵ هزار نفر تخمین زده میشود. اکنون ده‌هزار نفر از آنها در سالن‌های سربوئیده‌ی استادیوم آریا مهر که به همین منظور آماده شده است بستری هستند. کسانی را که از گاز



فناوری و روحانی

۵۸

# مصداق ونهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

## دادگاشی که از متهم مشروطان می سازد

آمریکایی های سختگیری مانند ترومن و دیوین اچیسون دایر بر اینست که مصداق با وجود همه نقائص زمان مداری بود که می توانست به غرب کمک کند و بر جریان وقایع در ایران مسلط شود. احتمالاً درست بود. خست شرکت نفت انگلیس و ایران و دولت انگلیس (که همبستگیه ضعف اقتصادی بود و هم از احساس عجز نسبت به انگلیس در روی آوردن به یک نخست وزیر ایرانی که نمی توانست در این وقت و نفوذ کند تا می شد) باعث سو قضاوتی شد که هم برای ایرانیان و هم برای انگلیسی ها شتاب و خیمی در برداشت (۴)

ضمین کتاب در جای دیگری گوید انگلستان کوه معمولاً در مستعمراتش مانند هند و برمه و سیلان و نیجریه توجه به نیا زمیندهی مردم داشت در ایران که هر چند جز مستعمراتش نبود ولی می توانست در آن اعمال نفوذ کند و نفوذ دیگر عمل کرد. یعنی تصمیم گرفت مصداق را که نخست وزیری اصل، فسادنا پذیر و علاقه مند به دوگراسی لیبرال بود و رهبری یک نهضت ملی را بر عهده داشت برانداخت و طی سالهای ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳ آمریکا لیستی لیبستی ... سر منق می گرفت (۵) یکی دیگر از خصوصیات حکومت ملی که با سقوط دکتر مصداق از میان رفت ایدئولوژی سیاسی آن حکومت یعنی اتکاف به ناسیونالیسم همراه با دموکراسی

لیبرال بود. دکتر مصداق و پیروانش عقیده داشتند که نیل به هدف های حکومت ملی یعنی ریشه کن کردن همه گونه نفوذ خارجی، دفع اقتصاد داخلی یا پیروی از اصول مشروطیت و قانن اساسی و پیروان آوردن صنعت نفت از دست شرکت های خارجی و سپردن آن بدست ایرانی فقط با استتار یک چنین ناسیونالیسم امکان پذیر خواهد بود. ترانزا مه، حکومت ملی نشان می دهد که آن حکومت ناسیونالیسم را به همان معنی اساسی رونق داد و به کمک آن ایدئولوژی تا آنجا که می توانست برای رسیدن به هر سه هدف بالا کوشید اما با سقوط مصداق تعقیب دو هدف اول از طرف دولت های بعدی متوقف شد و هدف سوم نیز به تدریج که گفته شد دچار قلب با هیبت گردید. دولتهایی که جای حکومت ملی را گرفتند مردم را برای فعالیت ناسیونالیستی تنگ کردند و جنبه ملی و حزب ایران را تحت فشار و همدگونه تضعیفات قرار دادند اما وابستگی نهضت ملی همچنان در وقت های بعدی به دکتر مصداق که در حال تبعید در احمدآباد بسر می برد باقی ماند و در انتظار فرصت مناسب نشستند. تا ظهور ایران گرانیات سیاسی پیش بینی می کردند که چنین فرصت دست خواهد داد چون عقیده داشتند که طرز حکومت شاه بعد از مصداق و انگلیسی بین طبقات استلکتوتل و آزادخواه ایجاد خواهد کرد که ممکن است منجر به بازگشت حکومت ملی شود. یعنی حتی اظهار نظری کردند که چریان محاکمه دکتر مصداق خود چنین و انگلیسی وجود خواهد آورد. ریچارد گاتس در کتاب "ناسیونالیسم در ایران" در باره طرز رفتار حکومت زاهدی با دکتر مصداق چنین می گوید:

"حکومت زاهدی طوری عمل کرد که کوئی عمداً می خواست برای آن مرد بزرگ سال خورده وسیله ای فراهم نکند که صحنه سیاست ایران را بطرز چشمگیری ترک کند. در واقع آن حکومت تریبونی به مصداق داد که از لای آن بتواند آنها را مت خود را علیه کسانیکه او را برانداخته بودند بیان کند. او از این فرصت چنانکه باید استفاده کرد و یکی از موثرترین نمایش های زندگی سیاسی خود را به مرآت پیش از آن بود که حتی در تاریخ ریک ترین روزهای حکومت مصداق وجود داشت. هرگونه نتیجه گیری در باره نظریات مردم ایران نسبت به چریان محاکمه مصداق سطحی خواهد بود. اما نظر نگارنده اینست که مصداق در میان محاکمه آن قسمت اعظم پشتیبانی ملی را که قبلاً از دست داده بود دوباره بدست آورد. وقتی در سال ۱۹۵۳ مصداق را به سه سال حبس مجرد محکوم کردند آن رهبر ملی سالخورده مقام شهید سیاسی پیدا کرد و صدور رای محکومیت او باعث شد که زاهدی و شاه دیگر هیچگاه نتوانند موفقیت زاهدی در جلب پشتیبانی ملی گرایان بدست آورند." (۶)

دکتر مصداق بعد از تقریباً سه سال از زندان آزاد شد ولی اجازه نداشت از محوطه ده ملکی خود احمدآباد که به آنجا منتقل شده بود خارج شود که بعد از رفتنش به آن ده دولت برای آنکه امکان هرگونه تجدید فعالیت

س از سقوط حکومت مصداق بحلی درباره خصوصیات و تحولات آن دوران دور از تاریخ ایران در محافل موافق و مخالف آغاز شد که هنوز دامنه اردو نشانی نهایی درباره آن فقط وقتی امکان پذیر خواهد بود که همه تعصبات لغو علیه فروشنده و جوی خود را به واقع بینی صرف و بیطرفانه بدهد. اما آنچه تا کنون در اطراف موضوع چیه صورت شرح و تالیف، چه به شیوه انتقاد و چه به نظر به قلم موافق و مخالف جاری شده و آنچه در آینده نیز بخصوص از طرف کسانیکه در این ماجرا شخاص دخیل بوده اند و آنها نمی توانند شتابانی به آن زمان نسبت می دهند نوشته شود مسلماً در تهیه زمینه قضاوت نهایی موثر و سودمند واقع خواهد شد.

بدیهی است که بزرگترین اقدام دکتر مصداق ملی کردن صنعت نفت بوده است. در واقع اهمیت این اقدام به اندازه ای مورد تصدیق عموم بوده و هست که بعضی رجال سیاسی و حتی شخص محمدرضا تا سعی کرده اند بتکار آنرا بخود نسبت دهند اما یک نکته مسلم دیگر هم اینست که مصداق را نمی توانست به خاطر این اقدام داخلی و خارجی دکتر مصداق به او اجازه نداد که اقدام خود را به نتیجه برساند و بعد از سقوط او و بعد از مله نفت ایران با شرکت های خارجی در حقیقت به صورت امتیازی برگشت ولی نهایی که مصداق نتوانسته بود به حکم جریا تاریخ و بر اثر تحولات بین المللی و سوبژه تا سبب با زمان او یک به تدریج پرورش یافت و بیست سال بعد به تدریج رسید. اما دکتر مصداق در زمان حیات خود هیچ نشانه ای از پیشرفت به سمت مقصد نداشته و نموده بلکه برعکس قرار داد که در سال قبل از درگذشت او به امضاء رسیده و او یکبار به ما یوس کرد و در کتاب با طرافاتش چنین می گوید:

"بطور خلاصه قرار داد کنسرسيوم یک خیانت بین وفا حتی بوده که نسبت به ملت ایران صورت گرفت و ملت خود را از معادن نفت بهره برداری نکند به آزادی و استقلال نخواهد رسید." (۱)

دکتر مصداق به یک اقدام بزرگ دیگر هم دست زد و ملی در آن مورد هم در نتیجه همان خدمت هایی که مانع طلوع شدن نفت به معنی واقعی گردیدند توفیق نیافت. منظور سنی او در اجبار شاه به رعایت قانون اساسی و اکتفا به سلطنت بدون دخالت در حکومت است. شرح این موضوع ضمن گزارشی واقعاً در شماره ۱۳۳۱ و نیز مجلات میاد در دست دکتر مصداق به قرار داد در مرداد ۱۳۳۲ (جلوگویی سوری و کلای مخالف دولت از تصویب گزارشی هیئت هشت نفری گفته شده است از محتاجی به تکرار آن نیست) و انگلیس منفی شاه در برابر برگشت مصداق برای محدود نمودن اختیارات او و روش و بخصوص بعد از برگشت از سفر بغداد و رم که بیشتر مبتنی بر حکومت مطلقه بود که مصداق به ایجا د و قضاوت می نمود که همواره با علل دیگر به و تقاضای سال ۱۳۵۷ انجام میداد که به لزوم رعایت ریسم مشروطیت سلطنتی بر طبق مقررات قانون اساسی تسلیم شده بود و زمان مداری امور کشور را به دست حکومت ملی و حکومت ملی را تقویت می کرد. غلبه رژیم دموکراسی لیبرال و حاکمیت قانون و تأمین آزادی ها و حقوق فردی و جمعی از پروژا رتانی های عمومی جلوگیری می کرد و فتنه جوئی که از مدتی پیش از آن زمان به پیش بینی است از چرخه های مشغول زمینه سازی برای ایجا د آشوب و تدارک و سایر آن بودند و از همه آن نا رفا بیته ها تغذیه می شدند فرمت پیشبرد مقادمان را بدست نمی آوردند و می توانستند جمعیت های را به خیابان بکشند تا آنها دست و پندارند و نتیجه فریاد جمهوری اسلامی می خواهم برآوردند. همچنین اگر شاه در توجیه خود مندا نه ای که دو ماه قبل از کودتا به سفیر آمریکا (مینی برکن را آمدن با دکتر مصداق) (۲) نمود با فاشی

کرده و به آرا و در تغییر دولت تسلیم نشده بود و دولتهای انگلیس و آمریکا نمی توانستند نقشه کودتا را اجرا کنند و آن واقعه که به لامل نشناختن ایران را به وضع کنونی سوق داد بلکه موجب نا آرا می همه منطقه و تحکاس نا مطلوب آن در غرب گردید و رخ نمی داد. اینک در کتاب خود در باره کودتا گفته شده است که او و دوها وس ... (ما مورثیه نقشه) کودتا و جلب موافقت دولت آمریکا با آن (نیز چنین اظهار نظر کرده است که کودتا ۲۸ مرداد منجر به وقایع شد که در سال ۱۳۵۷ در ایران رخ داد. وی پس از شرح چگونگی اجرای کودتا به وسیله عمال دودولت انگلیس و آمریکا چنین می نویسد:

"اکنون سؤال ای پیش می آید که جویا بگوئی به آن مشکل است و آن اینست: اگر می دانستیم که ۲۵ سال بعد چه خواهد شد آیا باز هم همین کار را می کردیم؟ جواب اینست که احتمالاً می کردیم اما در آن صورت می توانستیم از عواقب آن پیش گیری کنیم. به آسانی می توان تشخیص داد که نقشه عملیات چکه (ولین قدم به سوی بلائی بود که در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) بر ایران نازل شد. اما چیزی که ما در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) پیش بینی می کردیم غیر از چیزی بود که در سال ۱۳۵۷ در ایران رخ داد ... آنچه ما پیش بینی نکردیم این بود که شاه قدرت تا زادی بدست خواهد آورد و آن به سه طرز سلطنتی و جویا نه خواهد بود که در آن زمان را هم پیش بینی نکردیم که دولت آمریکا ووزارت امور خارجه انگلیس آنقدر عاجز و ناتوان خواهد بود که نخواهند توانست او را در یک خط سیر مشغول نگه دارند. در آن زمان ما فقط احساس آسودگی خاطر می کردیم از آنکه خطری که مانع انگلیس را تهدید می کرد بر طرف نشده بود. آمدن خیر سقوط مصداق را وقتی تسدک سه دوره نقاشت را روی یک کشتی در دریای یونان می گذرانند و در خا طرافاتش می نویسد: سنی که این خسرت شنیدم خوا بر ا حتی کردم." (۳)

کتاب با بیان امرا توری همین نظر را با لحن مطمئن تری به شرح زیر بیان می کند:

"انگلستان با عمل خود در برابر پیروی برانداختن مصداق و برگرداندن شاه به دست کمک به آزادی دادن نیروهای کرد که در واسط دهه ۱۹۸۰ معلوم شد مملکت را صدها سال به عقب برمی گرداند. تقاضا و"

را از او سلب کند تدبیری اندیشید. به این وصف که جمعی مردم در حوالی احمدآباد به نظر هرات برداختند و با شعار "مرگ بر مصداق خاشن" خواستار اعدامش شدند. دکتر مصداق به وسیله تلفن از شهر باقی ماندی حفاظت نمود و شهر باقی ماندی بی درنگ نیروهای استخباراتی در اطراف ده گماشت و این ترتیبات که به خاطر حفظ جان دکتر مصداق "برقرار شد همچنان ادامه یافت تا او درگذشت. به این ترتیب حبس سه ساله دکتر مصداق عملاً تبدیل به حبس ابد شد. هوا خواهان نهضت ملی هم بطوری که گفته شد تحت فشار قرار گرفتند و بعضی این وضع جزا بین نمود که موضوع برگشت ناسیونالیسم

لیبرال در حقیقت منتفی است. ناسیونالیست ها بنا شده. طرز عمل حکومت زاهدی و تجدید نفوذ به اصطلاح "زوارخانه های" بیس بیسی می کردند که دولت های امپریالیستی با زبانی بیخبر در مقام مدتها با آن قسمت از جامعه همگاری خواهد کرد که هیچگونه توجه به منافع و مصالح ملی از آنها نمی توان انتظار داشت. بنا بر این آنها اما دگی هیچگونه آری با حکومت های بعدی یا برای رضایت ضمنی از آنها نداشتند و ایدئولوژی ناسیونالیسم لیبرال دیگر هیچگاه در رژیم حکومت ایران جلوه نکرد. دکتر مصداق بعد از سقوط حکومتش مدت سزاه سال و نیم در زندان و ملی از آزادی محروم بود. در آن مدت او تنها نظریه نداشتی از تعقیب هدف ملی کردن نفت به معنی واقعی ندید. هم نظریه ای هم از گرایش حکومت به تسبیب حقیقی از قانون اساسی مشاهده نکرد. از این جهت برای ناسیونالیسم نیز ما به این روش شد او در حالت انزوا و از راه دور نظریه جریان رویدادها بود. اینک ما وقایع دوره بین سقوط حکومت و پایان عمر او (۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۴ اسفند ۱۳۴۵) را فهرست وار ذکر می کنیم:

۱ - شاه بعد از درگذشت مصداق حکومت را به دست رئیس توتا لیتر سو ق داد و موقعیت خود را با اتکاف به نیروهای امنیتی و بالآخره (در سال ۱۳۳۶) با تأسیس ساواک تقویت کرد. در این وضع وابستگان نهضت ملی اجباراً فعالیت خود را به شکل نیمه زیرزمینی در آوردند.

۲ - شاه در همین حال حکومت خود را حکومت واقعی ملی گراشی و دموکراسی معرفی می کرد بلکه مدعی بود که ناسیونالیسم حقیقی خود را است و است. به این معنی که خود را ناسیونالیست مثبت و دکتر مصداق را ناسیونالیست منفی می خواند. او برای شاه همین صورت ظاهر سیر سیستم دموکراسی پارلمانی در سال ۱۳۳۶ در حزب تاء سیر کرد یکی حزب اکثریت "به نام "ملیسون" به رهبری دکتر اقبال و یکی "حزب اقلیت" (اپوزیسیون) به نام "مردم" به رهبری اسدالله علم با این وجه مشترک که هر دو وفادار به سلطنت مشروطه و پشتیبان دربار بودند.

۳ - در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۳۶ قانون نفت به تصویب رسید. سه روز بعد ولین قرار داد دشتا رکت شرکت ملی نفت با یک شرکت خارجی (ایتالیا) امضا شد و در سال ۱۳۳۷ دو قرار داد دشتا رکت دیگر (با یک شرکت امریکایی و یک کاتاداشی) منعقد گردید. این قرار دادها ترتیب جدیدی در اداره نفت ایران (برقرار ری سیستم مشهور به ۲۵/۷۵) بوجود آورد که می توان گفت یک قدم عملی در راه ملی کردن نفت بود.

۴ - در آستانه سال ۱۳۳۹ دولت برای اجرای برنام ه هفت ساله و تأمین هزینه های نظامی دچار بحران مالی شدیدی گردید و از صندوق بین المللی پول و دولت آمریکا درخواست کمک نمود. صندوق بین المللی پول با پرداخت ۳۵ میلیون دلار موافقت کرد. مشروط به اینکه دولت بودجه اش را متعادل کند و صرفه جویی های مهمی در هزینه ها به عمل آورد. هرگز بدست کشیدی هم عطا ی کمک مالی را منوط به این شرط نمود که شاه فسراد لیبرال را و اردگانا سینه کند و اقدام جو شری در جهت اصلاحات ارضی به عمل آورد. این توجیه دولت امریکا تا آنده ای در رویش شاه موثر واقع شد.

۵ - در تیر ماه ۱۳۳۹ که عمر مجلس نوزدهم به پایان رسیده بود شاه اعلام کرد که نتایج انتخابات آزاد خواهد بود. در برابر این نوید آزادی اللها رما لح خود را از کاشان تا یزد نما بیندگی کرد و وعده ای از سران نهضت و رحله دکتر صدیقی، دکترنا یورختیار، مهندس بازرگان، آیت الله طالقانی و دکتر سنجابی در خانه صالح کردن آمدند و تشکیل جبهه ملی دوم را اعلام کردند.

۶ - در بین پیروان نهضت ملی یک تفرقه خلیل ملی عقیده داشت که دور اندیشی با جاب می کند جبهه ملی بنا را بر سیاست و روش مصلحتی همکار ی با جناح لیبرال و مترقی طبقه، حاکمه بگذارد تا موقعیت خود را مستحکم کند. اما اکثر سران نهضت هرگونه نزدیک شدن به عواملی را که به برانداختن مصداق کمک کرده بودند خبیانت تلقی می کردند. و نظریه ملکی را نسیونالیسم نتیجه ملکی در سال ۱۳۳۹ انشباع کرد و با تشکیل "تیر سوم" جامعه سوسیالیست های نهضت ملی ایران را بوجود آورد. کمی بعد جامعه "مژبور رسا" از هیئت اجرائی جبهه ملی دوم درخواست قبول خود به عضویت در آن جنبه نمود ولی جوابی به درخواست خود در یافت نکرد.

۷ - در اوایل سال ۱۳۴۰ بازرگان، طالقانی، سنجابی، ونزیه از جبهه ملی جدا شدند و نهضت آزادی ایران را بنیان گذاشتند.

۸ - در سال ۱۳۴۰ دکتر امینی که به نخست وزیری منصوب شده و برنام ه اصلاحات ارضی را هدف اصلی حکومت خود قرار داده بود پیشینه ذکر ده که امتیازاتی به جبهه ملی بدهد. بشرط آنکه جبهه وارد میاز ره شایده با انشباع جبهه ملی اما دگی قبول یک چنین پیشنهادی را نداشت چون همه نیروی خود را بر سر یک نشا ریعی انشباع انتخابت آزادی گذاشت. یک نویسنده عقیده دارد که جبهه ملی با این موضع گیری فرمتی را از دست داد و چنین می گوید: "شاه" قرار دادن شاه رما رزه در راه انتخابت به عنوان یک هدف استراتژیک در مقابل هدف استراتژیک مهم امینی یعنی اصلاح ارضی

بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱

# عواقب دادوستد پایایی

آن نفت ارزان قیمت دریافت می‌کنند. شرکت ایمپیانتی قرار داد چند میلیون دلاری به همین روال با جمهوری اسلامی منعقد کرده است.

بنا بگزارش دیگر قرار داد پایایی دیگری به ارزش ۲۴۰ میلیون دلار بین شرکت انگلیسی تالیوت که وسایل اتومبیل هیلمن را برای مونتاز به ایران صادر می‌کند با مقام رسیده است.

در همین نشریه آمده است تاکنون بزرگترین دادوستد پایایی انجام شده به ارزش ۳ میلیارد دلار با ترکیه انجام گرفته است و جای پای آنجا است که ظاهراً این دادوستد موجب شده است از صادرات درندگان خارجی به جستجوی شیوه‌های بی‌بهره برداری از این ارتباط بپردازند و کالاهای خود را برای عوامل محلی ترکیه بفروشند تا آن مجدداً بر اساس قرارداد منعقد بین خودکالای مزبور را به ایران صادر کنند.

کریس پاول در میدل ایست تا میزهمچنان اضافی می‌کند پاره‌ای از متخصصین شرکت ملی نفت ایران (بغیر از آخوندهای حاکم بر آن) در مورد دادوستدهای پایایی آنهم به این فرم نظر خوشی نداشته و چنین دادوستدهای را که موجب به هدر رفتن ثروت ملی ایران می‌شوند نوعی بی‌کفایتی بشمار می‌آورد. بدیهی است در نمونه‌های آورده شده انجام معاملات پایایی به منظور دریافت الحاح منظور با یاد پایایی به منظور دریافت الحاح منظور نگردیده است که آن خود جای بحث فراوان دارد.

از سوی دیگر در همین بخش گزارش کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (انکساید) که در سال ۱۹۸۵ انتشار یافت در مورد افزایش حجم تجارت جهانی می‌نویسد: "قطع منابع مالی خارجی، عدم دسترسی به دریافت و موا اعتبار راست، بالا بودن قیمت ارزها که در دادوستد بین‌المللی از

روزنامه اطلاعات ۱۸ مرداد ماه ۱۳۶۵ بعمل آوردند طبقاً "اعتراف کرد که در یک چنین معامله برحمتی موفق نشده است حتی قسمت ناچیزی از این مبلغ را به مصنوعات و تولیدات ساخت ایران اختصاص دهد. بطوریکه تنها صدور نفت و بخرای رفتن این ثروت ملی تا این میزان امکان برقراری قرار داد را میسر ساخته است.

اصولاً بیلوک شرق از دیرزمان متکثر اصلی دادوستدهای پایایی درجه‌بندی شده و علت عمده آن صرفه جویی در منابع ارزی بشمار می‌رود توفیق ممالک نامبرده در ابتکار این نوع معاملات بخاطر آنستکه علاوه بر اینکه به مشتریان خود درازا خرید مواد اولیه ارزانی قیمت ارزی پرداخت نمی‌کنند بلکه با عرضه محصولات و مصنوعات خویش بازار گرمی را هم بدست می‌آورند که امروزه این طرز کار مورد توجه دیگر کشورهای سرمایه‌داری نیز قرار گرفته و موجب شده است که آنها هم با اشتها بی‌بشردر برابر ممالک دنیا زنده و قوتوان اقتصادی چنین رویه‌ای را پیش گیرند.

طبق نوشته میدل ایست تا میز (۱۶ - ۹ مارس ۱۹۸۵) تنها طی یک سال آنهم در حدی که مغشراً اقتصادی این نشریه آقای کریس پاول اطلاع داشته است، جمهوری اسلامی با توجه به عواقب وخیم و ناگوار آن که معاملات جهانی از نوع رژیم آخوندی برای کشورهای سرمایه‌داری با کشورهای بی‌امفارسا نبوده که در همه موارد آن تنها نفع را بعنوان وسیله به‌گرو گذاشته است.

شرکت ولسی سوئدی قرار دادی به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار منعقد کرده قرار داد دیگری با حجم بیشتر در دست گفتگوست.

شرکت وست آلبین اتریش قرار داد پایایی به ارزش ۶۰۰ میلیون دلار با جمهوری اسلامی به امضا رسانیده که در ازای تحویل ماشین آلات و مصنوعات دیگر معادل

## تکیه: توطئه حجاب اسلامی

بقیه از صفحه ۱

این نامه که به مدرسین حوزه علمیه قسم نسبت داده شده است، در خورتاً ملات است؛ نخست از این حیث که مصطفی کمال باشد، بنیاد نگذار ترکیه، نوین، هیچ تلاشی نمی‌کند که اعتقادات خود را در پرده‌ای از دروغ یا ریا بپوشاند، آشکارا به موضع خود معترف بود، ولی این قدر بدبازی و بلند نظری داشت که در قانون اساسی ترکیه، نوین، مردم را در ادای مراسم دینی خود آزاد نگذازد. آنگاه که اگر چه خود تظاهر به دین‌دانش می‌گفت همه کس با پدر مرا سم‌دینی خود آزاد باشد، منتها در چهار چوب معینی تا دین به خدمت هدفی‌اشی سوائ آنچه با بسته آن است در نیاید. آنگاه تورک ایمن محدودیت را فقط برای مسلمانان قائل نشد. برای پیروان کلیسا و کشت نیز قائل شد. به همین سبب از نخستین کارهای نمایانی که کرد این بود که خیاط مخصوص خود را نزد نما بنده، پاب در ترکیه فرستاد تا برای اولیاسی مانده آنچه همه مردمی بپوشند بوزد. منظور او این بود که هیچ مقام روحانی بالیاسی که پیوستگی او را به دینی بروزی دهد، قدم در خیابان نگذارد. شعرا و آیین بود که دین، آری اما در چهار چوب مسجد و کشت و کلیسا.

به شکرانه آنگاه تورک، ترکیه با آن که دارای اکثریتی مسلمان است که به دین خود احترام بسیار می‌گذارد، در عین حال که از موضع آنگاه تورک نسبت به دین بی‌خبر نیستند، احترام می‌بیرای وی قائلند که می‌شود اندام به صورت رهبران محبوب جهان باشد.

اگر چه در عرفنا ملات پایایی بین دو کشور مبادلات اجناس و کالاهای ساخته شده از دو طرف مطرح است ولی در این میان شاید ایران کشور نمونه‌ای باشد که به حراج گذاشتن نفت که ماده‌ای خام و در زمان قلام طبیعی است رضایت داده و در ازای تحویل ثروت ملی خود آنهم به کمترین ارزش اجناس و محصولات دیگر کشورهای را وارد می‌کند.

روشن است که علت عمده این طرز عمل کمیود ذخیره ارزی در کشور و بخرای است که ایران از این جهت از آن رنج می‌برد و مهمتراز آن عدم اطمینان کشورهای خودداری از پرداخت وام و یا اعتبار به ایران است که رژیم در نهایت ادب و تلاش بسیار تا کنون نتوانسته است حتی یک کشور را به دادن وام و یا اعتبار بازرگانی به ایران متقاعد سازد.

افزایش غیر طبیعی و بیش از حد حجم معاملات جهانی برای کشورمان از این جهت نگران کننده شده است که در این نوع دادوستدهای استثنائی ممالک در یافت کننده نفت بخاطر نیازی که به ایران به تولیدات و اقلام صادراتی آنها دارند سوداگران نیز بدستی به این امر آگسا هستند، لذا قیمت هر بشکه نفت را خود بدخواه و به نا زل ترین خدمتگزار ارزیابی کرده و در عوض بر ارزش کالاهای صادراتی خود که قسمت اعظم آنها را اقلام ته مانده از نیارها و اجناس بنجل تشکیل می‌دهد بیشترین بهار می‌دهند، بطوریکه در کلیه این موارد ایران ناچار است بهی ساری که تحویل دهنده کالای نواز در بر قند و پایایی کند.

کشورهای که در حال دادوستد پایایی با ایران هستند با استفاده از نقطه ضعف رژیم‌ها فریب‌خوردند در معاملات چند میلیار دلاری خود حتی چند میلیون دلار نیز بجای نفت از مصنوعات کشورمان را بپذیرند و بهترین نمونه آن اشاره به گفتگوی یوزاد شوی وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی است که س از عزم به ترکیه (اواخر خرداد ماه ۱۳۶۵) و گفتگو پیرامون مبادلات جهانی ۳ میلیار دلاری با این کشور طی مصاحبه‌ای که در این مورد با

ارتجایی خود را به شما پیش بگذارد. آنگاه "اطلا" این آزادی را نمی‌خواهند که به دلخواه خود لباس بپوشند، بلکه حرکت آنها سینه‌در آمد این است که آزادی لباس بپوشیدن را از بقیه زنان ترکیه سلب کنند. منظور آنها به هیچ روی میانگ آزادی خودشان نیست، تنها وسیله آزادی دیگران است.

در ایران هنوز از ظواهرها شرف‌تداست که پیش از انقلاب، زنان و دخترانی چند، به شیوه‌ای که به چشم بیاید، خسود را در حجاب می‌پوشانند. آنگاه در آن وقت هیچکس دیگر را دعوت نمی‌کردند که از شیوه آنگاه به تقلید بپردازد. تا سال ۱۳۵۹ نیز هنوز زنان و دختران ایرانی، گرمی خواستند، می‌توانستند بدون حجاب از خانه بیرون بیایند. هنوز نکاهی آنگاه را در بیرون خانه نمی‌پایید. اما امروزه تنها در بیرون خانه، بلکه

در درون آن نیز نگاه‌های وقیحانه، زیور زنان را می‌ناید.

اسلام ارتجایی خمیشتی، می‌خواهد در ترکیه نیز کار را از زمان جاشی آنگاه زکندگی پیش از انقلاب اسلامی در ایران آغاز کند. ولی مقام‌های ترک خود را در دفاع از میانی قانون اساسی خویش قاطع تر از آن نشان داده اند که در برابر فشارهای اولیه کوتاه می‌آیند. آنها، از رئیس جمهوری گرفته تا نخست وزیر، به رژیم اسلامی فهمانده اند که از گسترش مناسبات تجاری و اقتصادی دنیا بدو عده، گسترش ارتجاع در ترکیه را به خود بدهند.

در ایران نیز سده‌های بیایی زنان حجاب بداشتند، در ترکیه نیز تا این حد کسی مزاحم زنان با حجاب نمی‌شود و نباید بشود. ولی این بازی سیاسی با حجاب معنای دیگری دارد که نمی‌تواند و نباید بددیرا بر آن کوتاه آمد.

**را دیومحلی نهضت و اشنگتن**

را دیو ایران - را دیوی محلی نهضت مقامت ملی ایران ناخدی و اشنگتن - ویرجینیا - مریلند یکشنبه - از ساعت ۱۵ تا ۱۱ با ماداروی موج متوسط ۲۱۴۵۰ - را دیو W.O.L.

**را دیو ایران سلامت‌های بدن برنامه**

برنامه اول  
ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ روی امواج کونسایه  
دست‌نشان: روی امواج کونسایه  
دست‌های ۱۵ متر (مرکاس ۱۱۷۵ کیلو  
هرگز) و ساعت ۲۲ تا ۲۳/۵۵  
کیلوهرگز) ۱۱ متر (مرکاس ۱۵۴۵ کیلو  
هرگز) و ساعت ۲۲/۵۵ تا ۲۳/۵۵  
سپه‌ان روی امواج کونسایه، روی ۲۱  
متر (مرکاس ۱۲۰۰ کیلوهرگز) و ۲۱  
متر (مرکاس ۷۰۷۵ کیلوهرگز)

### عواقب دادوستد پایایی

بقیه از صفحه ۱۰

آنها استفا ده میشود، تما بیل ممالک صنعتی به دسترسی مواد اولیه ارزان قیمت و دیگر عوامل موجبات بالا رفتن دادوستدهای تشاری بین ممالک نیازمند و کشورهای سرمایه داری شده است، به سه طوری که در سالهای دهه ۱۹۷۰ این رقم حداکثر به ۵ درصد می رسد و حال آنکه از سالهای ۱۹۸۰ به بعد حجم این معاملات به رقم ۱۷ الی ۲۰ درصد رسیده است. بدیهی است با بالا رفتن این نسبت کشورهای سرمایه داری می توانند هر چه بیشتر در صادرات کالاهای خود که در غیر این صورت احتمالاً به علت کمبود ذخایر ارزی ممالک خریدار ممکن بود امکان پذیر نباشد اقدام نمایند و در ازای مبادی اولیه را به نرخ های پایین در یافت کنند. البته ناگفته نماند که هزینه سنگین معاملات تشاری به بعضی کشورهای نیست که مجبور به صدور مواد اولیه می باشند تا حدیکه از این جهت هم این نوع معاملات با روش معمول تفاوتی قائل در ندارد...

با توجه به اینکه متجاوزاً از ۲۰ درصد فروش نفت ایران به صورت پایایی به حراج گذاشته میشود و هم نظریه گفته شده مولاتی که به این نوع معاملات بخاطر کمبود ارز و عدم دسترسی به اخذ مواد اعتبارات صورت می گیرد، این حقیقت را با بدیدررفت که رژیم جمهوری اسلامی با به گرو گذاشتن و حراج نفت ایران سالها به سه طور متوسط نزدیک به ۵ میلیارد دلار ( نزدیک به یک بیستم فروش کل نفت ) از ممالک سرمایه داری و اموات اعتبار بازرگانی دریائی دریافت می دارد، منتهی این دریافت اعتبارات آن چنان وانمیسود می سازد که بانک مرکزی جمهوری اسلامی مزورانه اعلام میدارد که دولت تا کنون هیچگونه وامی یا اعتباری از دیگر کشورهای دریافت نداشتند است.

حقیقت را اگر چه آخوندها هیچگاه نخواهند پذیرا باشند ولی این سیاهکارها و دروغ پردازی ها از دید ملت هشیبایران و صاحب نظران، همیشه روشن و نمایان بوده است.

### خمینی در برابر

### نشان واقعیت ها

بقیه از صفحه ۷

بین المللی میتوان این سلاحها را از راه " قانونی" به چنگ آورد. البعا شکست تنها چاره خیر به سودجنا می تمام میشود که تا کید بر مسلح کردن ارتش با سلاحهای مدرن داشته است، از آنجا که کاهش درآمد ناشی از فروش نفت بسیار رجدی است، توانایی ایران را در فراهم کردن سلاح از بازارهای سیاه به قیمت های گزاف ناممکن ساخته است. به نظر میرسد چسب خمینی بخواد چه نخواهد موقعیت ها دارد به سودجنا حی تمام می شود که خواهان گرا بیش رژیم به سمت غرب است. طی هشت سالی که از عمر رژیم می گذرد هیچگاه خمینی به اندازه امروز زین نشان واقعیت ها نبوده است.

### دریایی فامن

روزنا مهلبیرا سیون چاب با ریسی در مقاله ای زیر عنوان "شددید جنگ دریایی در خلیج فارس" می نویسد:

به گزارش روزنا مهلبیرا سیون لویذلیست شریه بیمه لویذ در سال ۱۹۸۶ (بیش از صد کشتی در خلیج فارس بمباران شدند. بدین ترتیب نیروهای دو کشور درگیر در جنگ در سال ۱۹۸۶ میزان بمبارانهای خود را نسبت به سال ۱۹۸۵ افزایش داده اند. در سال ۱۹۸۵ موارد بمباران کشتی ها به ۶۱ مورد رسیده بود.

در سال ۱۹۸۶ جمهوری اسلامی علاوه بر موشک های هوا به زمین موشک های زمین به زمین برای غرق کردن کشتی ها بکار برد. عراق نیز با کشتیدن دامن عملیات شکاری بمباران های خود را با پهناور و نزدیک کشتی ها هرگز بر سر منطقه نا امن برای کشتی های بازرگانی افزود.

عراق در اکثر حمله های خود از موشک های اکزوست و آ-اس-سی استفاده کرده است. این هردو نوع موشک در شب نیز مانند روز قابل استفاده است و البته پوشیده نیست که هر دو ساخت فرانسه است.

لیبراسیون می فرزند صنایع فرانسه، برای رعایت جانب عدالت در راه تسلیم نیروی هوایی جمهوری اسلامی نیز کوشیده است. یعنی تعداد دفراوانی موشک هوا به زمین آ-اس-سی دو زده و نیز همین های کهنه ای که غالباً "منجبر نمی شود در اختیار ایران نمانده است. ظاهراً خلیبانان ایران نیز موشک های آمریکا یا "اوریک" که هم سنگین تر و کارآمدتر است و هم برد بیشتری دارد نتیجه بهتری گرفته اند.

بعضی ز شرکت های کشتی رانی بویژه شرکت های کشتیهای را ببط بیسن خارک، سیری ولزک را به ایران اجازه می دهند، برای مقابله با خطر بمبارانهای کشتی های خود را به سیستم های حفاظت قدموشک مجهز کرده اند. هر چند که در کارایی این تجهیزات جای تردید فراوان وجود دارد.

در دوی کشتی های نفتکش از ماه ها پیش برای بهره مند شدن از ماده "سحر-آ" که توسط یک شرکت انگلیسی تهیه می شود و خاصیت دفع و یا دور کردن از حمله موشکها را دارد، صف می کشیدند. اما هنگامی که نخستین نفتکش مجهز به این ماده سحر آ و گران قیمت، در میان خارک و سیری هدف بمباران عراقی ها قرار گرفت، شرکت انگلیسی بلافاصله اعلام کرد که نفتکش با نهدیده اکر به ماده دفعه مزبور مجهز نبود بی شک خسارت بیشتری می دید. البته ناگفته نماند که نفتکش بعداً قبایل دیگر از جاسا نجیب و با زهم ناگفته نماند که موشک دیگری بی هیچ زحمتی بر نفتکش مزبور فرود آمد و یکی کارش را ساخت.

### رابعه و بکتاش

### عشق شورانگیز

### قدیم ترین شاعره فارسی زبان

بقیه از صفحه ۶

خویش بهای نه ای بگیرد و خون او را بریزد. از سوی دیگر بکتاش هر شعری را که از آن می گرفت در صندوقی ای می گذاشت. روزی رفیق وی که گمان می کرد وی گوهرهای گران بها در آن صندوقچه نهاده است، نهایی در آن بگشود و شعرهای رابعه را بیافت و بی درنگ آنها را نزد حارث برد و بدو فروخواند. حارث نیز بی هیچ تحقیق و تحقق بفرمود تا حتما می راست گرم کردند. آن گاه هرگز زن را گفت تا رگی هردوست او بگشا و او را به حما فرستاد. به دستور وی چون را به حما مرقت در حما مرا نینهنه کردند.

رابعه در آن حما فروماند. فریا بسیار کرد اما سودی نداشت تا چار: سرانگشت در خون میزد آن ماه بسی اشما فرود بیشت آن گاه ز خون خود همه دیوا رینوشت بزدند بسی اشعار رینوشت چو در گراما به دیوار می نمودند ز خون هم نیز بسیا ری نمودند همه دیوار چون بر کرد از شمار فرو افتاد چون یک پا رده دیوار میان خون و عشق و آتش و آتش بر آمدن چوینش بصد رشک چوینکشا دندگرما به دگر روز چه گویم من که خون بود آن دل افروز چو شاخ زعفران از برای تافرق ولی از برای تافرقش بخون غرق بگردند و بسا یک کردند دلی پر خون بزیخاک کردند نگه کردند بر دیوار آن روز نوشته بود این شعر چوینکشا نصیر عشقم این آمد در گاه که در دروخ کیندن زنده ناگاه که تا در دروخ اساری که دارد میان سورواتش چون نگارد توکی دانی که چون باید نوشتن چنین قه بختن باید نوشتن خیر قتل فجیع و جان سپردن دردناکی دختر زیبای لطیف طبع و پاک دامن به بکتاش رسید، و نیز در فرقی معشوق، مانند تمام مردم شیر گریبان چاک زدوبه تلخی گرفت. اما در این بر معشوق برای خود وظیفه ای دیگر نیز احساس می کرد: به آخر فرستی می جست بکتاش که تا از زیر چاه آمد بسا لاش نهان رفت و سر حارث سحرگاه بر زید دوران شد تا سر راه به خاک دختر آمد چوینکشا یکی دهنه گرفت و بر کرد از این دسای فانی رخت برداشت دل از زندان و بند سخت برداشت نبودن سیری یا ریگانه بدویوست و کوشه شفقسانه به درستی نمی دانیم این داستان، با

### درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴ فرانک فرانسه -

شش ماه ۱۲ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

ایمجان ( نام و نام خانوادگی - فارسی و به حروف لاتین )  
 نام خانوادگی : Nom  
 نام : Prénom  
 آدرس : Adresse

ما به هم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به شما می فرستیم. اگر شما به حساب بانکی نشریه قیام ایران حساب بانکی نشریه قیام ایران را می فرستد. قیام رسید به ضمیمه ارسال می کرد.

تاریخ : امضا

QYAM IRAN  
C.C.P No: 2400118/E  
PARIS

شماره حساب بانکی :

QYAM IRAN  
Crédit du Nord  
78, Rue de la Tour  
75116 Paris  
Compte No: 11624700200

### توجه لازم

تمنا دارد تقاطع اشتراک را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامه های که به آدرس حساب بانکی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

دست کم خطوط اصلی آن با واقعیت وفق می دهد. اما ما سخن داستان می بدین شورا انگیزی در قرن پنجم و هشتم هجری برای قدیم ترین شاعر فارسی زبان که شعری از او با زمانه است در جای خود بسیا رجالت توجه است.

گرگ آشتی : آشتی ظاهری و دروغین که دریا طن دل های دوطرف برداشتنی باقی باشد. ظاهراً از این جهت آن را گرگ آشتی گویند که گرگ برای حمله به طعمه خویش، هرگاه تنها با سد میسودا قوی یا بدیش می آید و با زمی گرد و چوید با این کارا تگرا می کند تا زمان را برای حمله مسا عدیا بد، بسا صید را غافل کند و بدو حمله آورد.

سمر : به دو فتحه = افسانه، این جابه مدنی معروف و مشهور است.

بشولیدن : برهم زدن، بریشان و پراکنده کردن.

منمویه : یکی از هفت بازی نردو نخستین بازی شطرنج را گویند که در بران مغلوب شدن حریف قطعی است.



هم میهنان عزیز!  
 هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد.

۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ پاریس

بقیه از صفحه ۹

نمی توانست برای توده ها جانب و شورا انگیز باشد. استراتژی امینی که با زندگی روزمره میلیونها مردم روستاها بستگی داشت در مقابل استراتژی جبهه ملی ... احتمال بر دسیسای بیشتری داشت (۷).

نویسنده چنین نتیجه می گیرد که رهبری جبهه ملی با عدم توجه نسبت به مسئله های اصلاحی اجازه داد تا هیئت حاکمه پیشقدمین تحولی بشود. (۸)

۹ - دکتر امینی در تیرماه ۱۳۴۱ استعفا کرد و اسدالله علم به نخست وزیری منصوب شد و حتی پیش از امینی سعی کرد به جبهه ملی نزدیک شود. وی با اللهیار صالح و دو نفر دیگر از سران جبهه ملاقات کرد و بطوری که تا به حد پیشنهاد سه ست وزارت، با عنای جبهه ملی نمود ولی جبهه ملی قبول این پیشنهاد را در مشروط به انجام انتخابات آزاد نکرد. علم وعده آزادی انتخابات را داد ولی از نظر عمل او معلوم گردید که قصد انجام این وعده را ندارد.

مصدق  
 و نهضت ملی ایران  
 در کنگش چپ و راست  
 دانشگاه کازرون

- ۱ - کتاب "خاطرات و تواتر" لمات مصدق "صفحه ۳۹۷
- ۲ - بند ۷ گزارش مجرمانه سفیر آمریکا مورخ ۶ ژوئن ۱۹۵۳ (۱۶ خرداد ۱۳۳۲) که ترجمه آن در بخش "اوضاع و پیش آمدها" که مندرج در سقوط دولت گردید نقل شد.
- ۳ - Woodhouse P. 131
- ۴ - Paul of Empire P. 226
- ۵ - همان جا حد ۱۹۲
- ۶ - Richard Cottan : 208
- ۷ - خاطرات سیاسی طلیل ملکی با مقدمه بقلم کازریان صفحه ۱۴۲
- ۸ - همان جا، صفحه ۱۴۸

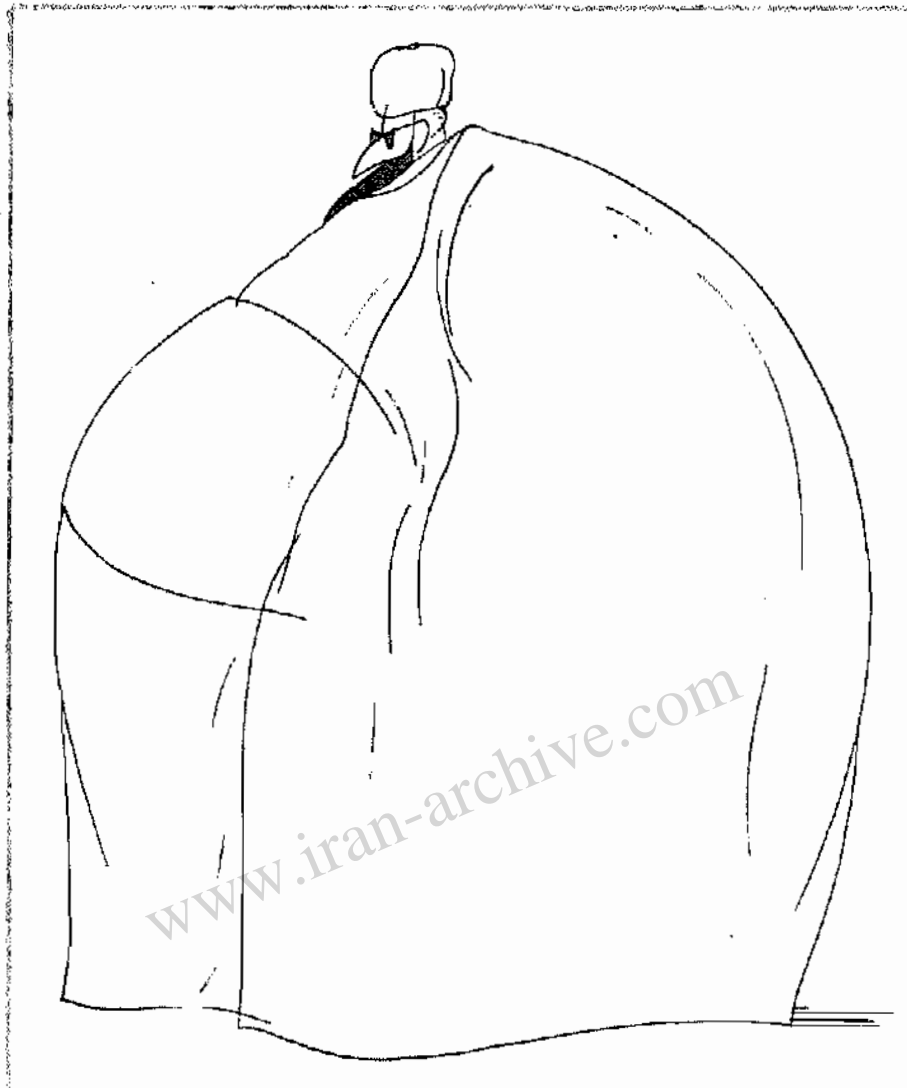
بقیه از صفحه ۱

حکمرانان عموماً " همینطورند، حکومتی که بدستشان می افتد کم در نظر آنها حکم میراث بدری را پیدا می کند و نموده فقط حاضر نمی شوند آن را از دست بدهند یا کسی را در مالکیتش سهم کنند بلکه بعد از مرگشان هم می خواهند از ملک و اولاشان خارج نشود. تا ریجسندرت کسی را مثل ژنرال فرا نکودیده است که هر چند مملکت را بزور شمشیر تسخیر کرده بود، بعد از چهل سال اقتدار مطلق، وقتی میخواست به میرد عوض آنکه حکومت را برای پسرش بگذارد ولیعهد سابق، یعنی همین خوان کارلوس یا دنا کنتونی را بر تخت نشاند و گفت من وظیفه خودم را به انجام رساندم، حالا موقعی است که سلطنت مشروطه به سبب تیا برگردد و مملکت به جاده دموکراسی بیفتد.

آیت الله خمینی برخلاف ژنرال فرانکو آن وقتی که قدرت را قبضه نکرده بود میگفت ما دنبال حکومت نیستیم، ما طلبه ایم و اگر به ایران بازنگشتیم می رویم به قم دنبال طلبگی خودمان. ولی از همان لحظه که دست به قدرت بند شد نشان داد هدفش از تمام این بازیها رسیدن به حکومت بوده است نه چیز دیگر و حالا که حکومت را دست آورده همه اش را یکجا می خواهد و فرنیست به هیچکس سهمی بدهد.

### والاحضرت اقدس

### حاج احمد آقا ولیعهد!



فضای خانه را پر کرد بطوری که زندگی برای خریدار جهنم شد. هیچ کاری هم از دستش بر نمی آمد چون سندی نبود نوشته و شرطی قبول شده. آخرش چارهایی برای او نماند جز آنکه خانه را در مقابل بیبای نا چیزی به مرد قوی بفروشد و خودش را خلاص کند.

اصل ولایت فقیه، برای مابقی اصول قانون اساسی ارزشی باقی نمی گذاشت زیرا بر اساس همان یک اصل بنیادی دیکتاتوری جدید پایه گذاری شد و از شکم انقلاب اسلامی یک "خلیفه" بیرون آمد که قائم مقام خدا در روی زمین محسوب میشد و مثل خدا اختیارات نامحدود داشت بی آنکه در مقابل هیچ مقام و مرجعی مسئولیت داشته باشد.

همان وقت که اصل ولایت فقیه در مجلس خبرگان اول به تصویب رسید با زاکر وقتش بود و وقایع و احوال اجازه میداد آیت الله خمینی در کنار اصل ولایت فقیه، اصل دیگری هم میخواست که مقام "ولایت" سلاطین بعد از حق اولاد ذکور وی خواهد بود ولی آن وقت هنوز آیت الله میخواست و نمود کند که او برای خودش و خانواده اش چیزی نمی خواهد، فقط میخواست هدیک حکومت اسلامی بنا نهاد و سرشته آن را بدست فقها بسازد.

بعدها، با سردن نقش قائم مقام موبی لایحه جانشین مقام رهبری به آیت الله منتظری دیگر برای عموم یقین حاصل شد که آیت الله خمینی اگر چه خود را با ادغام سلطنت و خلافت همان نوع حکومتی را برقرار کرده است که در تاریخ اسلام، معاویه پایه گذاری روم بعد آن بود ولی لا اقل بفکر تاسیس "سلسله" نیست. حال آنکه اکنون معلوم میشود خمینی هیچ وقت از چنین فکری غافل نبوده است و فقط فرصت مناسبی لازم داشت تا فضای ولایت فقیه را بر قامت آقا زاده ببرد و بیوزد.

از قضا، ولیعهد ما خمینی شباهت های اخلاقی فراوان به ولیعهد معاویه دارد و هم فاسق و فاجر است، هم تنهی مغز و خودخواه و بیبدها و بیبرجم.

بیجا ره مردم ایران که در آرزوی حکومت علی بودند، حکومت معاویه نصیبشان شد و حالا تازه باید خودشان را برای دوره یزید آماده کنند!

مثل میخ طویل قسمی در وسط قانون اساسی کوبید.

یک نفر قوی خانه نبی بفروش گذاشته بود با این شرط که حق کوبیدن یک میخ و استخاره آن برایش محفوظ باشد. مشتری رفت خانه را دید و پسندید و با خودش اندیشید که یک میخ آسبیسی بخانه من میرسد. وقتی معاویه انجام گرفت فروشنده میخ طویل بی بردیوار خانه کوبید و لاشه سگی را از آن آویخت و قرار گذاشت هر روز بیاید و به آن سر بزند. روزهای بعد، تعفن لاشه سگ

"اسلامی" در پشت کلمه جمهوری خوش باند. برای ما چه فرق میکند که رژیم تازه جمهوری اسلامی نامیده شود یا جمهوری دموکراتیک. مهم، قانون اساسی است. ما به مجلس مؤسسان میرویم و یک قانون اساسی دموکراتیک می نویسیم و برای هر مقامی حدود و وظایف تعیین می کنیم. وقتی مملکت دارای رئیس جمهوری و نخست وزیر و دولت و مجلس شد دیگر کسی نمی تواند در قلمرو بنشیند و خود را ما حاکم اختیار مطلق تصور کند. خمینی با تشکیل مجلس خبرگان به جای مجلس مؤسسان درین مرحله نیز آب پاکی روی دست حریفان ریخت. در مجلس خبرگان اکثریت با آخوندها بود ولی دیگران هم بودند و هنوز استبداد آخوندی به آن صورت شکل نگرفته بود که مجال نفس کشیدن را از همگان سلب کند. در نتیجه، آیت الله خمینی آن گروه از نمایندگان مجلس خبرگان را که در مدد تدوین قانون اساسی دموکراتیک بودند بحال خودشان گذاشت تا بر سر الفاظ و عبارات بر سر و مغز هم بزنند و خود را دستیار شیخ حسینعلی منتظری و آخوندهای متنفس مرتجع، حاکم کدائی "ولایت فقیه" را

بقیه از صفحه ۱

### ماجراهای پنهانی، ارسال اسلحه فرانسوی به ایران

نکراتی خود را از این امر آرزو داشتند. رئیس سازمان امنیت خارجی فرانسه شخصاً در تاریخ آوریل ۱۹۸۴ رئیس جمهوری فرانسه را از ماجرا آگاه ساخت. به نوشته "اکسپرس"، بدون تردید در ژوئن ۱۹۸۴ بلژند با بهترین مقامات فرانسه از قاچاق اسلحه به جمهوری اسلامی اطلاع دادند اما اقدامی برای جلوگیری از آن به عمل نیامد. بر اساس اسناد گزارش مجموعاً طی سه سال ۴۵ هزار رگلوله سه توب و خمپاره با ارزش ۷۰۰ میلیون دلار به جمهوری اسلامی فروخته شده است. اکسپرس - ۶ تا ۲۲ ژانویه ۸۷

**ایران هرگز نخواهد مرد**

**نشانی:**  
QYAM IRAN  
C O C B.  
17, bd RASPAIL  
75007 PARIS  
FRANCE